

جستاری در ادوارنگاری فقه امامیه^۱

منصور امیرزاده جبرکلی*

اکبر فلاح**

چکیده

علم فقه، از آغاز پیدایش تاکنون، فرازها و فرودهایی داشته و دوره‌های متعددی را پشت سر گذاشته است اما ادوارنگاری فقه، علمی نوپا می‌باشد. آگاهی از تاریخ فقه و ادوار آن و اطلاع بر چگونگی اوضاع تفقه در دوره‌های متعدد، به درک بهتر علم فقه و شناختن عوامل فراز و فرود فقه، کمک شایانی می‌کند. دانشمندان اهل سنت، زودتر از علمای شیعه، مستقلاً در زمینه تاریخ فقه، کتاب نوشته ولی تاریخ فقه شیعه را بطور مستقل، طرح نکرده‌اند. تاریخ‌نگاران فقه شیعی، هر کدام با ملاک خاصی، فقه را به ادوار مختلفی، تقسیم کرده‌اند. به عنوان نمونه، «شهبابی»، ادوار فقه را از لحاظ زمان و «آصفی»، تاریخ فقه را از لحاظ مکان بررسی نموده است. این مقاله، به روش توصیفی-تحلیلی، تهیه و از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول، ده مورد از ادوارنگاری‌های عام در فقه امامیه، گزارش می‌شود و در انتهای هر مورد، اثر مذکور، بررسی شده است. نگارندگان، در قسمت دوم مقاله، با توجه به تحول فقه در اثر تکامل تدریجی آرای فقها، ادوار فقه امامیه را در ۱۳ دوره، بیان نموده‌اند.

کلید واژه‌ها: تاریخ فقه، ادوار فقه امامیه، ادوارنگاری، شخصیت فقها، حاکمیت فقه

مقدمه

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

(نویسنده مسؤول) amirzadehj@yahoo.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

علم فقه، علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی و منابع آن است (ابن شهید ثانی، ۱۳۶۲، ۲۷) اما وقتی از گذشته احکام از حیث صدور و استنباط و چگونگی شکل‌گیری آرا و افکار گذشتگان، زمان تدوین این افکار و چگونگی تأثیر آنها، بحث به میان آمد، موضوع بحث، «تاریخ فقه» خواهد بود.

اگرچه سابقه تدوین علم فقه - به معنای مصطلح امروزی - به حدود ۱۱۰۰ سال قبل برمی‌گردد، اما ادوار فقه با همه شایستگی که برای بحث داشته و دارد، تاکنون توجه چندانی به آن نشده و در مقایسه با تألیفات علم فقه، تألیفات اندکی در این زمینه وجود دارد. وجود کتبی از قبیل طبقات الفقهاء ابواسحاق شیرازی و...، بیانگر تاریخ فقه یا ادوارنگاری فقه، نمی‌باشد. در باب سابقه تدوین تاریخ فقه، شایان ذکر است که منابع تاریخ فقه، منحصر به کتب مستقل در تاریخ این علم، نیست بلکه خود کتب فقهی و اصولی در ادوار مختلف، مهمترین منبع تاریخ فقه است و تاریخ فقه را می‌توان بطور پراکنده، در این کتب نیز به دست آورد.

تاریخ فقه اسلامی - اعم از فقه امامیه و فقه اهل سنت - علمی نوپا بوده و سابقه‌ای کوتاه دارد. اهل سنت زودتر از شیعیان در این زمینه بطور مستقل، کتاب نوشته و در دوران معاصر نیز، تلاش گسترده‌ای را انجام دادند. اولین کتابی که در جهان اسلام مستقلاً در زمینه تاریخ فقه نوشته شده، علی‌الظاهر، کتاب «تاریخ التشریح الإسلامی» تألیف خُضری‌بک (متوفی ۱۹۲۷م)، است که ظاهراً «فکر این کار را از غرب گرفته بود.» (مغنیه، ۱۴۱۱، ۸) خُضری‌بک، در تألیف این کتاب، فقه را از لحاظ زمان بررسی کرده است (خضری، ۱۴۱۴، ۱۰).

استاد مغنیه، در زمینه سابقه نگارش «تاریخ فقه» می‌نویسد: «شیخ سُبکی به پیروی از خُضری‌بک و با یاری برخی از علمای دانشگاه الأزهر مصر، کتاب تاریخ التشریح الإسلامی را، پس از وی دکتر محمد یوسف موسی، کتاب «محاضرات فی تاریخ الفقه الإسلامی» را درباره تاریخ فقه نوشتند و جز این سه تن، فرد چهارمی را نمی‌شناسم که اثری در این زمینه داشته باشد.» (مغنیه، ۱۴۱۱، ۸).

بجز کتب فوق، کتابهای دیگری نیز توسط دانشمندان اهل سنت در باب تاریخ فقه ایشان، نگارش یافته که به چند مورد اشاره می‌شود: نَظَرَةُ عَامَّةٌ فی تاریخ الفقه الإسلامی، دکتر علی حسن عبدالقادر؛ فلسفه التشریح فی الإسلام، دکتر صُبْحی محمصانی؛ نَظَرَةُ تَارِخِیَّةٌ فی حدوث المذاهب الأربعة، احمد تیمور پاشا؛ الشهاوی فی تاریخ التشریح الإسلامی، شهاوی؛ تاریخ المذاهب الفقهیة، محمد أبوزهره. به نظر می‌رسد کاملترین شیوه ادوارنگاری فقه نزد فقهای اهل سنت، شیوه دکتر زرqa می‌باشد که ادوار هفتگانه برای فقه، قرار داده است.

با تتبع در کتبی که توسط دانشمندان اهل سنت در این زمینه، نوشته شده است، درمی‌یابیم که آنان تاریخ فقه اسلامی را نوشته‌اند بلکه با نام اسلام، فقط تاریخ فقه را در مذهب خود، مورد بررسی قرار داده و هیچیک

از آنان در کتاب خود، تاریخ فقه و فقهای شیعه را بطور کامل نیاورده‌اند. به نظر می‌رسد، قصوری از ناحیه آنان صورت گرفته است. دکتر گرجی در این باره می‌نویسد: «باید اذعان داشت که متأسفانه تاکنون کار قابل توجهی در این باب [ادوار فقه شیعه] صورت نگرفته است، اهل سنت یا دیگر کسان هم که احیاناً در این باب قلمی زده‌اند، نا آگاهانه یا خدای نخواستہ، تعصب‌آمیز در کتابهای مدون خویش، به این قسمت یا نپرداخته یا به اشاره، بسنده کرده‌اند...» (گرجی، ۱۳۷۵، ۱۱).

شایان ذکر است برخی از نویسندگان شیعی، تاریخ فقه را از لحاظ زمان بررسی کرده‌اند از قبیل استاد شهبازی. آیت‌الله آصفی در «تاریخ الفقه الشیعی»، فقه را از لحاظ مکان بررسی کرده است. برخی نیز به شرح احوال فقها به ترتیب تاریخی پرداخته‌اند مانند محقق کاظمی در کتاب مقابسات الأئوار (کاظمی، بی‌تا، ۲۳-۴). پرسش اصلی پژوهش حاضر، چگونگی بیان ادوارنگاری‌های عام در فقه امامیه می‌باشد. این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی، و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، نوشته شده است. بدنه اصلی مقاله از دو قسمت، تشکیل شده است: قسمت اول (ادوارنگاری فقه امامیه؛ قسمت دوم) ادوار فقه امامیه از دیدگاه نگارندگان.

قسمت اول) ادوارنگاری^۱ فقه امامیه

تاریخ‌نگاران فقه شیعی، در بیان سیر تاریخی فقه امامیه، هر کدام با ملاک خاصی، فقه امامیه را به ادوار مختلفی تقسیم کرده‌اند. این قسمت از مقاله، عهده‌دار گزارش ده مورد از مهمترین ادوارنگاری‌های عام، به ترتیب تاریخ نگارش یا تاریخ چاپ اثر، می‌باشد.^۲ در انتهای هر مورد، قوت‌ها و ضعف‌های اثر مذکور، اجمالاً مورد بررسی قرار گرفته است.

^۱ - در این نوشتار، عبارات زیر مسامحتاً در یک معنا به کار رفته است: تاریخ فقه، تاریخ ادوار فقه، ادوار فقه. اگرچه با دقت نظر، می‌توان بین آنها تفاوت قائل شد.

^۲ - به لحاظ رعایت اختصار، سایر شیوه‌های ادوارنگاری از قبیل شیوه عبدالهادی فضل‌ی، مورد بررسی قرار نگرفته است. یکی از پژوهشگران، فقه شیعه را به دوره‌های دهگانه، تقسیم کرده است. «(اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۴۱۴). شایان ذکر است استاد مطهری، در باره تاریخ فقه، مستقلاً اثری ندارد اما در یکی از آثارش می‌نویسد: «از نظر من، جهشها و تغییرات کیفی فقه شیعی... در سه مرحله صورت گرفته است: مرحله اول در اوائل قرن پنجم به دست شیخ طوسی، مرحله دوم در قرن هفتم به دست محقق حلی و علامه حلی، و مرحله سوم در قرن سیزدهم به وسیله شیخ انصاری انجام یافت. اگر جنبه‌های مبارزه با قشری‌گری را در نظر بگیریم... باید یک مرحله دیگر اضافه نماییم و آن در قرن دوازدهم به وسیله وحید بهبهانی است.» (مطهری، ۱۳۶۲، ۳۴۰-۳۴۱).

افزون بر ادوارنگاری‌هایی که بطور عام در فقه امامیه، از سوی دانشمندان طرح شده، ادوارنگاری «موضوعی» نیز اخیراً صورت گرفته است که از موضوع بحث ما خارج می‌باشد از قبیل: ادوار فقه مقارن در شیعه (اسلامی و معینی فر، ۱۳۹۰، ۵-۳۲) و ادوار فقه سیاسی شیعه. ادوار پنجگانه فقه سیاسی شیعه، عبارتند از: ۱- دوران حاکمیت تشیع در عصر حکومت نبوی و علوی؛ ۲- دوران تقیّه و انزوا و مدارا با حکومت‌ها و دوران طولانی حکومت امویان و عباسیان؛ ۳- دوران همکاری با سلاطین شیعه؛ ۴- دوران مشروط و محدود کردن قدرت سلاطین و نظارت بر عملکرد آنان؛ ۵- دوران حاکمیت فقه و فقیهان شیعه (ورعی، ۱۳۹۵، ۱۲۵-۱۴۷).

۱- استاد محمود شهبابی خراسانی (ادوار فقه، سال ۱۳۶۶ هجری قمری)

به نظر می‌رسد کتاب ادوار فقه استاد محمود شهبابی خراسانی، اولین کتابی است که در زمینه تاریخ فقه امامیه، در ایران، نوشته و چاپ شده و در نوع خود ابتکاری است. با توجه به تقدّم استاد در نگارش تاریخ فقه و همچنین ارزش علمی جلد اول، کتاب ادوار فقه را با تفصیل بیشتری، مورد بررسی قرار خواهیم داد. مطابق طرح اولیه، ادوار فقه شیعه امامیه، شامل دو دوره می‌باشد: ۱- دوره تشریح و صدور؛ ۲- دوره تفریح و استنباط. ایشان، از نظر زمان، دوره تفریح را به چهار عهد اصلی به شرح زیر تقسیم می‌نماید: ۱- عهد صحابه؛ ۲- عهد تابعان تا زمان غیبت صغری؛ ۳- عهد نواب و سفرای چهارگانه تا غیبت کبری؛ ۴- عهد غیبت کبری تا عصر حاضر. شهبابی، عهد چهارم (عهد غیبت کبری) را به چهار عصر، تقسیم می‌نماید: ۱- از آغاز غیبت کبری تا زمان شیخ طوسی؛ ۲- از عصر شیخ طوسی تا عصر علامه حلی؛ ۳- از عصر علامه حلی تا عصر آقا باقر بهبهانی؛ ۴- از عصر آقا باقر بهبهانی تا سال ۱۳۶۶ قمری (شهبابی، ۱۳۶۶، ۳۸۳، ۱).

جلد اول این کتاب را مؤلف در سال ۱۳۲۶ شمسی، به رشته تحریر در آورده است. مقدمه کتاب در باره تعریف، موضوع و فایده ادوار فقه، می‌باشد. پس از مقدمه، دوره‌های فقه به دو دوره تشریح و تفریح، تقسیم گردیده و زمان و مکان صدور برخی از احکام فقهی به ترتیب تاریخی، تبیین شده و در ادامه نیز، عهد اول (عهد صحابه)، آمده است.

جلد دوم، در باره آیات الاحکام می‌باشد. از آن جایی که شناخت آن دسته از آیات که مربوط به احکام فقهی است، برای استنباط، ضرورت دارد لذا استاد شهبابی در جلد دوم، خواننده را اجمالاً با آیات الاحکام، آشنا می‌نماید.

- جلد سوم، اوضاع عمومی در عهد دوم (عهد تابعان) را مورد بررسی قرار می‌دهد. شرح حال تعدادی از فقهای اهل سنت از قبیل ائمه اربعه اهل سنت، شریح قاضی، اوزاعی و دیگران، نیز در این جلد، آمده است.
- بررسی: در بررسی کتاب ادوار فقه، چند نکته در خور تأمل و توجه است:
- ۱- استاد شهابی با عدول از تعریف مصطلح فقه، با تکیه بر جنبه عملی احکام و امکان تحوّل در ظروف مختلف زمانی و مکانی، فقه را اینگونه تعریف می‌کند: «احکام عملی اسلامی به لحاظ طواری و عوارض آنها» (همان، ۴۰/۱). تعریف ایشان از فقه، بیانگر تحوّل‌پذیری فقه می‌باشد.
 - ۲- استاد شهابی، اگرچه «اطّلاع بر مناسبات صدور احکام» را مدرکی مستقل در برابر ادله اربعه نمی‌داند اما در انتها می‌نویسد: «لیکن، به تحقیق، مکمل استنباط از آنها و شایسته است به منزله مدرکی پنجم، به شمار رود» (همان، ۱۰۴۲). به نظر می‌رسد اطلاع بر مناسبات صدور احکام را نمی‌توان به منزله منبع پنجم از منابع فقه، محسوب کرد، اما می‌توانیم آن را به عنوان یکی از مقدمات اجتهاد بدانیم.
 - ۳- طبق طرح اولیه، شهابی، تصمیم داشت تاریخ فقهای شیعه را در ده جلد، به ترتیب تاریخی ذکر نماید که بیش از سه جلد آن منتشر نگردید و از این لحاظ، کتاب یاد شده، ناقص می‌باشد. در خاتمه جلد سوم کتاب ادوار فقه، به قلم مؤلف آن آمده است: «آن جلد [جلد چهارم] و سایر مجلدات بعد، به خواست خدا به وضع فقه و فقهات در خصوص مذهب شیعه، اختصاص یابد.» (شهابی، ۱۳۷۲، ۳۸۹۸). علیرغم تنبّعی که توسط اینجانب نزد بستگان استاد در مشهد، صورت گرفت، نسخه دست‌نویس مجلدات بعدی به دست نیامد.
 - ۴- در طرح نخستین کتاب، تاریخ فقه و فقهای اهل سنت، پیش‌بینی نشده است.
 - ۵- تقریباً همزمان با نگارش کتاب تاریخ المذاهب الفقهيّة توسط أبوزهره، استاد محمود شهابی، کتاب ادوار فقه را نوشت.
 - ۶- فقط جلد اول کتاب ادوار فقه، در باره تاریخ فقه نوشته شده است.
 - ۷- جلد دوم در باره آیات الاحکام است. بیشتر مطالب جلد دوم، ترجمه و خلاصه کتاب کنزالعرفان^۱ است و ارتباط مستقیم با تاریخ فقه ندارد فلذا نامیدن این جلد به عنوان «ادوار فقه»، خالی از مسامحه و تجوّز نیست.
 - ۸- جلد سوم نیز به نوعی تاریخ فقها می‌باشد نه تاریخ فقه، آن هم تاریخ فقهای مذاهب و ائمه اربعه اهل سنت.

^۱ - مهمترین تألیفات شیعه در باره آیات الاحکام، عبارتند از: فقه القرآن، راوندی؛ کنزالعرفان، فاضل‌مقداد؛ زبدة البیان، محقق اردبیلی؛ مسالک‌الافهام، فاضل جواد.

۹- طبق این دیدگاه، مبنای تقسیم‌بندی و آغاز و انتهای زمانی و فقه‌های هر دوره، بطور دقیق، تبیین نشده است. بیان دوره تفریح در چهار عصر در عهد غیبت کبری، بسیار کلی است. به عنوان نمونه، شایسته است که در بحث از تحولات فقه در عصر سوم (از علامه تا بهبهانی)، دوره اخباریان، بطور مستقل، طرح می‌گردید.

۱۰- با مذاقه در سایر تألیفات شهابی از قبیل تقریرات اصول و مقدمه فوائداصول، می‌توان گفت که «گرایش به کاربرد اصول فقه به هنگام تفقه، موجب تقسیم‌بندی دوره‌های فوق گردیده» (کاظمی موسوی، ۱۳۹۵، ص ۵) و عهد غیبت کبری، با رویکرد اصولی، به چهار عصر تقسیم شده است. (شهابی، ۱۳۶۶، ۱۳۸۳؛ همو، ۱۴۰۹، ۱۱۵-۱۳؛ همو، بی‌تا، ۴۸-۴۷).

۲- آیت‌الله محمد مهدی آصفی (تاریخ الفقه الشیعی، سال ۱۳۸۶ قمری)

آیت‌الله آصفی در مقدمه جلد اول کتاب شرح لمعه، سه عامل اساسی را برای تحول فقه بر شمرده‌اند: ۱- زمان؛ ۲- مکان؛ ۳- شخصیت فقها (آصفی، بی‌تا، ۲۴، ۲۵).

ایشان، با در نظر گرفتن سه عامل، برجستگی‌های مهمترین مدارس فقهی شیعه را تبیین کرده است. از نظر این مجتهد معاصر، مهمترین مدارس فقهی شیعه بر حسب توالی عصور فقه شیعه، به شرح زیر است:

۱- مدرسه مدینه. مراد از مدرسه مدینه، فقه شیعه در عصر صحابه و تابعین است که از آغاز پیدایش حکومت اسلامی تا اواسط قرن دوم، ادامه یافت.

۲- مدرسه کوفه. در اواخر زندگی امام صادق، مدرسه فقه از مدینه به کوفه انتقال و از نیمه قرن دوم تا ربع اول قرن چهارم، استمرار یافت.

۳- مدرسه قم و ری. پیدایش این مدرسه، از آغاز غیبت کبری می‌باشد و تا نیمه اول قرن پنجم ادامه داشت.

۴- مدرسه بغداد. در قرن پنجم، مدرسه فقه به بغداد منتقل گردید.

۵- مدرسه حله. این مدرسه، از نیمه قرن هفتم (اشغال بغداد) آغاز شد و تا دوران شهید ثانی، ادامه پیدا کرد.

بررسی:

- ۱- نویسنده، تاریخ فقه را از لحاظ مکان، بررسی نموده است.
- ۲- تقسیم‌بندی فوق، مدارس فقهی قرن دهم به بعد را در بر نمی‌گیرد و از این حیث، ناقص است.

۳- استاد دکتر فیض (ره)، پس از ذکر پنج مدرسه فوق، بدون توضیح، و از باب تکمیل مدارس تا زمان حال، سه عصر دیگر را به آنها اضافه می‌نماید و تعداد مدارس فقهی را به عدد هشت می‌رساند، بدین شرح: ۶- مدرسه فقهی عصر صفوی؛ ۷- مدرسه فقهی وحید بهبهانی؛ ۸- مدرسه فقهی شیخ انصاری (فیض، ۱۳۹۱، ۱۳۷-۱۳۹). به نظر می‌رسد ایشان از دیدگاه حسین مدرّسی طباطبایی، استفاده کرده است که در بند ۶ ذکر می‌نماییم.

۲- استاد هاشم معروف حسنی (تاریخ الفقه الجعفری، ۱۳۸۸ قمری)

معروف حسنی، کتابش را در دو بخش تنظیم نموده است: بخش اول: عصر تشریح ابواب فقهی در قرآن (کلیات فقه)؛ بخش دوم: عصر تدوین سنن فقهی توسط ائمه، صحابه و تابعین (سرگذشت فقه). بخش اول کتاب، شامل ۸ فصل می‌باشد: فصل ۱- روش قرآن در تشریح احکامی از قبیل نماز، وضو، حج و...؛ فصل ۲- زکات و جهاد در قرآن؛ فصل ۳- نظام حقوق زن در اسلام؛ فصل ۴- نظام طلاق در اسلام؛ فصل ۵- وصیت؛ فصل ۶- ارث؛ فصل ۷- احکام داد و ستد در قرآن؛ فصل ۸- حدود کیفر در اسلام. بخش دوم کتاب، ۴ فصل دارد: فصل ۱- اوضاع سیاسی پس از پیامبر اعظم (ص)؛ فصل ۲- دوره‌های فقه و اصول بعد از پیامبر (ص)؛ فصل ۳- زبان‌های جلوگیری از تدوین حدیث و فقه بر فقه اسلامی؛ فصل ۴- اوضاع سیاسی و تدوین فقه در زمان تابعین. مؤلف در این بخش به تدوین سنن فقهی توسط ائمه، صحابه و تابعین پرداخته که به برخی از آنها اشاره می‌نماییم: پس از رحلت پیامبر، مسلمانان راهی جز مراجعه به آیات قرآن و احادیث نبوی نداشتند؛ از نظر مسلمانان صدر اسلام، مبانی احکام شامل کتاب، سنت، اجماع و قیاس بود؛ بذر اجماع توسط ابوبکر و عمر ریخته شد؛ قیاس را عمر بن خطاب، به عنوان یک منبع برای استنباط احکام شرعی پایه‌گذاری کرد.

بررسی:

۱- کتاب فوق توسط دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ترجمه و با عنوان تاریخ فقه مذهب جعفری، منتشر شده است. مقدمه کتاب، به قلم محمدجواد مغنیه است. ایشان، پس از بیان تفاوت میان «فقه» و «تاریخ فقه»، به سابقه تدوین تاریخ فقه در اهل سنت، اشاره می‌نماید.

۲- مؤلف کتاب، بر این باور است که دلایل احکام نزد شیعه، در دوران صحابه، منحصر به کتاب و سنت

بود.

۳- نویسنده، اوضاع سیاسی و تدوین فقه را تا زمان تابعین، بررسی کرده است. با توجه به فهرست مطالب و محتوای کتاب، تاریخ فقه شیعه امامیه بطور کامل، مورد بررسی قرار نگرفته و درباره تاریخ فقه در زمان غیبت کبری، مطلبی ذکر نگردیده و از این حیث، حق مطلب، آدا نشده است.

۴- علی آل کاشف الغطاء (۱۳۹۹ قمری)

کاشف الغطاء، در کتاب «أدوار علم الفقه و أطواره»، دوره‌های علم فقه را به ۷ دوره، تقسیم کرده است: دوره اول: دوره تشریح احکام شرعی؛ دوره دوم: از وفات حضرت رسول اکرم (ص) تا سال ۳۶ قمری؛ دوره سوم: از سال ۳۶ تا سال ۹۹ زمان خلافت عمر بن عبدالعزیز؛ دوره چهارم: از سال ۹۹ تا اوائل قرن چهارم هجری، افول دولت عباسی. در این دوره، به مذاهب فقهی شیعه (امامیه، اسماعیلیه و زیدیه) و سنی (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی)، پرداخته شده است. دوره پنجم: دوره تقلید نزد اهل سنت، از اوائل قرن چهارم تا سقوط دولت عباسی (۶۵۵ قمری). مؤلف، در ادامه، به نواب اربعه، کتب اربعه حدیثی و برخی از مصنّفات فقهی شیعه، اشاره کرده و مبدأ تدوین علم فقه را در نزد شیعه، دوره پنجم می‌داند. دوره ششم: از اواخر قرن هفتم تا اواخر قرن یازدهم هجری. این تیمیه حنبلی و شاگردش ابن قیّم جوزیه، از فقهای این دوره هستند. دوره هفتم: از اواخر قرن یازدهم هجری تا زمان حاضر. از جمله مواردی که مؤلف، به آنها پرداخته، عبارتند از: حرکت وهابیت در حجاز توسط محمد بن عبدالوهاب، تألیف مجلّة الأحكام العدلیّة و حرکت علمی شیخ جعفر کاشف الغطاء.

بررسی:

۱- مؤلف، در این ادوارنگاری، بطور تلفیقی، دوره‌های فقه شیعه و سنی را از نظر زمانی، ذیل یک دوره بطور مشترک، آورده است که از این حیث، با سایر ادوارنگاری‌ها، متمایز می‌باشد. در ادوارنگاری فقه، شیوه تلفیقی، شیوه مناسبتری از بقیه شیوه‌ها به نظر می‌رسد.

۲- طبق این شیوه، نظر منتسب به آیت‌الله بروجردی مبنی بر حاشیه‌ای بودن فقه شیعه بر فقه عامّه، دقیق‌تر قابل بررسی است. با این توضیح که، به لحاظ دور بودن شیعیان از قدرت سیاسی و حکومت در برخی

از دوره‌های تاریخی، فقه سیاسی شیعه، رشد چشمگیری نداشته است. در این کتاب، نقش حکومت وقت در تدوین و نشر آثار فقهی مورد بررسی قرار گرفته است که از این لحاظ، در ادوار فقه سیاسی، حائز اهمیت است.

۵- آیت‌الله محمدابراهیم جنّاتی (ادوار فقه و کیفیت بیان آن، تاریخ نگارش: ۱۴۰۳ قمری،

(۱۳۵۷/۰۲/۰۷)

آیت‌الله جنّاتی درباره پیشینه نگارش کتاب در زمینه ادوار فقه می‌نویسد: «وقتی برای بررسی ادوار فقه به کتابهای مختلف مراجعه می‌کردم، دریافتم که تاکنون این مسأله به معنای مصطلح آن، به وسیله نویسندگان و محققین، مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است و ظاهراً پیش از این، از طرف شیعه کتابی نوشته نشده است که همه ادوار مختلف فقه را تحقیق و بررسی کرده باشد... و این موجب بسی تأسف است.» (جنّاتی، ۱۳۷۴، ۱۳).

ایشان، بعد از تصریح آغاز پیدایش فقه اسلامی در مدینه، ادوار فقه را به ۹ دوره تقسیم می‌کند:

۱- مرحله تشریح. این مرحله از بعثت پیامبر(ص) آغاز می‌شود و با رحلت ایشان به پایان می‌رسد. نویسنده کتاب، مباحثی از قبیل کیفیت پیدایش فقه، مکان و زمان وحی، تدوین فقه و شریعت، وضعیت کلمه فقه و فقیه را در این مرحله بیان نموده است.

۲- مرحله تبیین و تدوین. این مرحله تا پایان غیبت صغری و اوائل غیبت کبری را در بر می‌گیرد.

۳- مرحله دسته‌بندی و تبویب. دسته‌بندی ابواب فقه از غیبت کبری آغاز و تا وفات شیخ مفید، ادامه دارد.

۴- مرحله گسترش مسایل فقه. مرحله چهارم، از زمان شیخ طوسی آغاز می‌شود و تا زمان ابن ادریس،

ادامه پیدا کرده است. مؤلف، در این مرحله به موضوع رکود نسبی فقه بعد از شیخ طوسی، پرداخته است.

۵- دوره استدلال. مرحله استدلال که بیش از صد سال طول کشید، از زمان ابن ادریس آغاز می‌گردد و

تا زمان محقق حلّی، ادامه دارد.

۶- مرحله گسترش استدلال و تنقیح. این دوره از زمان علامه حلّی آغاز می‌شود و تا زمان وحید بهبانی،

ادامه پیدا می‌کند.

۷- مرحله رشد و تکامل. این مرحله از زمان وحید بهبهانی آغاز می‌گردد و تا زمان شیخ اعظم ادامه دارد.

۸- مرحله تدقیق. این مرحله، مربوط به زمان شیخ انصاری است. مؤلف در مرحله هشتم به معرفی و

بیان ویژگی‌های کتاب مکاسب می‌پردازد.

۹- مرحله تلخیص. تلخیص مباحث فقهی، مرحله پایانی از مراحل نُه‌گانه ادوار فقه، می‌باشد. این مرحله، از زمان آخوند خراسانی آغاز می‌گردد.

بررسی:

۱- عناوین منتخب برای دوره‌های نُه‌گانه فوق، معرف نوع تحوّل علمی پدید آمده در آن دوره است. به عنوان نمونه، در دوره چهارم، شیخ طوسی تلاش بسیاری در تحوّل فقه و همچنین روش استنباط فقهی نمود. ۲- اگرچه برای هر دوره، عنوان خاصی در نظر گرفته شده است اما اشکالاتی در این تقسیم‌بندی به نظر می‌رسد مثلاً اوائل قرن یازدهم که دوره ظهور اخباریان است، اما مؤلف برای پیدایش مذهب اخباریان و استیلاي آنان بر جامعه فقهی، دوره مستقل در نظر نگرفته است.

۳- مؤلف، در برخی از موارد، از متن به حاشیه رفته و بعضاً رجال علمی هر عصر بیش از حدّ متعارف و متناسب با کتاب ادوار فقه، معرفی شده است.

۴- ایشان، آورده‌اند: «اگرچه کتابی فارسی به نام «ادوار فقه» نوشته آقای محمود شهبابی در سه جلد منتشر شده است، اما نویسنده در آن بیشتر به اعلام فقه و تراجم رجال و طبقات فقها پرداخته است و نامگذاری ادوار فقه بر آن، درست به نظر نمی‌رسد.» (جنّاتی، ۱۳۷۴، ۱۳، پاورقی). این سخن با توجه به مجلدات چاپ شده ادوار فقه، قابل توجیه است اما بطور مطلق، درست نیست.

۵- جنّاتی در اثر دیگرش، «ادوار اجتهاد» را به ۸ دوره تقسیم کرده است: ۱- عصر پیدایش مبادی اجتهاد؛ ۲- عصر تمهید و زمینه‌سازی به کارگیری اجتهاد؛ ۳- عصر تدوین قواعد اصولی و عناصر مشترک اجتهادی؛ ۴- عصر به کارگیری عناصر مشترک اجتهاد در منابع؛ ۵- عصر گسترش استدلال در مسایل اجتهادی؛ ۶- عصر تکامل اجتهاد؛ ۷- عصر ژرف‌اندیشی در اباحت اجتهادی؛ ۸- عصر کلیت کاربرد اجتهاد با شیوه نوین آن، عصر امام خمینی (جنّاتی، ۱۳۷۲، فهرست مطالب).

۶- استاد حسین مدرّسی طباطبایی (مقدمه‌ای بر فقه شیعه^۱) (۱۳۶۸)

ایشان، ادوار فقه شیعه را به ۸ دوره و مکتب، تقسیم کرده است: ۱- دوره حضور امام معصوم؛ از زمان رحلت پیغمبر(ص) تا آغاز غیبت صغری؛ ۲- مکتب اهل حدیث؛ مقارن با غیبت صغری یعنی نخستین قرن

^۱. کتاب فوق، تحت عنوان An introduction to shi'i law به انگلیسی نوشته شده و به فارسی ترجمه شده است.

غیبت؛ ۳- مکتب متکلمان: از زمان شیخ مفید تا قبل از شیخ طوسی؛ ۴- مکتب شیخ طوسی: از زمان شیخ طوسی تا قرن هشتم؛ ۵- مکتب شهید اول: تا اواخر حیات شهید ثانی؛ ۶- فقه دوره صفوی؛ ۷- مکتب وحید بهبهانی؛ ۸- مکتب شیخ انصاری (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ۳۰ - ۶۲؛ همو، ۱۳۶۲، ۳۷ - ۷۴).

بررسی:

۱- مطالب کتاب، مختصر و بسته می‌باشد. شاید بدان علت است که مؤلف، سعی نموده تا مطالب با عنوان کتاب (مقدمه‌ای بر فقه شیعه؛ کلیات و کتابشناسی) همخوانی داشته باشد و به بیان کلیات، بسنده نموده و تفصیل نداده است.

۲- مناسب است تحولات فقهی پس از انقلاب اسلامی را به عنوان دوره مستقل، محسوب نماییم.

۷- جواد شهرستانی (مقدمه کتاب جامع المقاصد، ۱۴۰۸ قمری)

کتاب جامع المقاصد فی شرح القواعد، با مقدمه‌ای به قلم جواد شهرستانی، چاپ شده است. شهرستانی، در مقدمه کتاب درباره ادوار فقه و زندگینامه محقق کرکی، سخن گفته و تحت عنوان «ألفقه الشیعی - أسسه و أدواره»، ادوار فقه شیعه را به ۷ دوره، تقسیم نموده است:

۱- دوره تشریح: از زمان پیامبر(ص) تا آغاز غیبت کبری؛

۲- دوره تدوین: از آغاز غیبت کبری تا پیش از شیخ طوسی. فقهای این دوره، به ۳ دسته، تقسیم شده است: الف) فقهای که صرفاً بر حدیث تکیه کرده‌اند مانند شیخ کلینی و شیخ صدوق؛ ب) فقهای که در مسایل فقهی از استدلال عقلی استفاده می‌کردند مانند قدیمین؛ ج) فقهای که در استنباط احکام از هر دو دلیل یعنی حدیث و عقل، استفاده کرده‌اند که در رأس آنان شیخ مفید قرار دارد؛

۳- دوره تطور: زمان شیخ طوسی؛

۴- دوره جمود و تقلید: از وفات شیخ طوسی تا قبل از ابن ادریس؛

۵- دوره خیزش (دورالنهوض): از ابن ادریس حلی تا قبل از محقق حلی؛

۶- دوره رشد و نمو: دوره محقق حلی تا قبل از وحید بهبهانی.

۷- دوره تکامل: از زمان وحید بهبهانی تا زمان حاضر.

بررسی:

۱- تعدادی از نویسندگان، در مقدمه برخی از کتب فقهی یا اصولی، تاریخ فقه یا اصول را آورده‌اند از قبیل آصفی در مقدمه شرح‌لمعه، سیدعلی نقی حیدری در مقدمه أصول‌الإستنباط، سیدمحمدباقر صدر در مقدمه المعالم الجدیدة و شهرستانی در مقدمه جامع‌المقاصد.

۲- شهرستانی، درباره هر دوره، بطور مختصر، سخن گفته اما درباره دوره دوم و ششم، تفصیل بیشتر داده است.

۳- در کتاب مروری بر تاریخ فقه و فقها، پس از تقسیم ادوار فقه شیعه به ۷ دوره، تصریح کرده که: «مباحث مربوط به ادوار فقهی شیعه از مقدمه کتاب جامع‌المقاصد... اقتباس شده است.» (جعفری هرندی، ۱۳۷۱، ۱۴۱).

۴- به نظر می‌رسد باید دوره شیخ انصاری و دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به عنوان دو دوره مستقل، محسوب نمود.

۸- استاد دکتر ابوالقاسم گرگی (تاریخ فقه و فقها، ۱۳۷۵ شمسی، ۱۴۱۸ قمری)

کتاب فوق، به عنوان منبع اصلی درس تاریخ فقه و فقها برای دانشجویان مقطع کارشناسی رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی، تدوین شده و مورد استفاده استادان، دانشجویان، حوزویان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه نیز می‌باشد.

کتاب تاریخ فقه و فقها، دارای یک مقدمه و چهار بخش می‌باشد. بخش اول - عصر تشریح؛ بخش دوم - مختصری درباره ادوار فقه اهل سنت^۱ و فقهای آنان؛ بخش سوم - ادوار فقه شیعه؛ بخش چهارم - ادوار علم اصول فقه و دانشمندان این علم.

در بخش سوم کتاب، تحوّل فقه از دیدگاه شیعه در ادوار نه‌گانه، مورد بررسی قرار گرفته است که اینک، هر دوره را معرفی می‌نماییم:

دوره اول - عصر تفسیر و تبیین یا عصر امامان معصوم (ع): از رحلت پیامبر اعظم (ص) تا پایان غیبت صغری.

دوره دوم - عصر محدثان: از حدود غیبت کبری تا نیمه اول قرن پنجم. کتب حدیثی این دوره (کافی و من لا یحضره الفقیه)، اصول منابع فقه شیعه امامیه را تشکیل می‌دهد.

^۱ - در این بخش، ادوار فقه اهل سنت به ۶ دوره تقسیم‌بندی شده است: ۱- عصر صحابه؛ ۲- عصر تابعین؛ ۳- عصر پیشوایان مذاهب اربعه؛ ۴- عصر توقّف اجتهاد و گزینش مذاهب؛ ۵- عصر تقلید محض؛ ۶- عصر حاضر (گرگی، ۱۳۷۵، ۱۰ و ۱۱۲-۴۵).

دوره سوم - عصر آغاز اجتهاد و تکامل تدریجی آن از حدود آغاز غیبت کبری تا آخر حیات سیدمرتضی. دوره چهارم - عصر کمال و اطلاق اجتهاد: عصر شیخ طوسی. دوره پنجم - عصر تقلید از وفات شیخ طوسی تا قبل از ابن‌ادریس حلّی. پس از شیخ طوسی، حدود متجاوز از یک قرن، فقها، غالباً از فتاوی شیخ طوسی پیروی می‌کردند (همان، ۱۷۹ و ۲۱۷؛ همو، ۱۳۶۱، ۳۸).

دوره ششم - عصر نهضت مجدد مجتهدان: از زمان ابن‌ادریس تا پایان حیات شیخ بهایی در این دوره، اجتهاد بار دیگر به جامعه شیعه، بازگشت و به تدریج تکامل یافت.

دوره هفتم - عصر پیدایش مذهب اخباریان: از زمان محمدامین استرآبادی تا پایان حیات شیخ‌یوسف بحرانی. اخباریان، معتقد بودند که منبع استنباط فقه شیعه، منحصرأ کتاب و سنت است نه آنچه مجتهدان می‌گویند.

دوره هشتم - عصر جدید استنباط: از زمان وحید بهبهانی تا قبل از شیخ انصاری پس از ضعفی که در دوره اخباریان در علم اصول فقه پدید آمد، بهبهانی در راه مقاومت با نهضت اخباریان کتاب *ألفوائد الحائریه* را تألیف نمود.

دوره نهم - عصر حاضر: از شیخ انصاری تا پایان حیات امام خمینی از نظر استاد دکتر گرجی «تحوّل عظیم فقه و اصول از زمان مرحوم شیخ انصاری به بعد آغاز شده و صلاحیت دارد این بزرگ را سرسلسله عظیم‌ترین دوره از ادوار فقه شیعه» محسوب نماییم (گرجی، ۱۳۷۵، ۲۳۵).

صفحاتی از کتاب، به نقش شیخ انصاری در علم فقه و علم اصول فقه، اختصاص یافته و معروفترین فقهای پس از شیخ انصاری، معرفی شده است.

زندگینامه آیت‌الله خوئی و امام خمینی و همچنین قسمتی از وصیّت‌نامه امام در مورد دانشگاهها و دانشجویان، در انتهای این بخش، آمده است.

بررسی:

- ۱- دکتر گرجی، کمتر به تاریخ فقه پرداخته و بیشتر، تاریخ فقها را ذکر کرده است.
- ۲- از جمله اشکالات این تقسیم‌بندی، آن است که مبدأ عصر دوم و سوم، یکی است.
- ۳- از محاسن این تقسیم‌بندی، آن است که امتیازات و فقهای معروف هر دوره، به تفکیک ذکر شده است. امتیازات دوره پنجم در این کتاب ذکر نشده است. چنانچه، مؤلف، امتیازات مثبتی برای این دوره قائل نبودند، لاقلاً، شایسته بود به جای امتیازات، ویژگیهای دوره پنجم را ذکر می‌نمودند.

۴- پرهیز از تعصب مذهبی و جانبداری غیرعلمی از محاسن این کتاب است. به عنوان نمونه، به مبحث توزیع اراضی بین فاتحین ارض عراق و فارس، مراجعه شود (گرچی، ۱۳۷۵، ۵۰).

۵- از جمله معایب کتاب، بیان تفصیلی زندگینامه برخی از فقها از قبیل سیدمرتضی، شیخ طوسی و شیخ انصاری است که به علت طولانی شدن مطلب، باعث خستگی دانشجو می‌شود و رشته سخن، از دست می‌رود. ۶- دوره نهم با عنوان «عصر حاضر»، نامگذاری شده است که مبین نوع تحوّل پدید آمده در فقه در دو قرن اخیر، نیست. عنوان «دوره شیخ انصاری» یا «ابداع و ابتکار»، برای دوره نهم، پیشنهاد می‌شود.

۷- با توجه به تغییر در پاره‌ای از آرای فقها، شایسته است دوره پس از انقلاب اسلامی، به عنوان دوره دهم، معرفی گردد.

۸- در بخش چهارم این کتاب، دوره‌های علم اصول فقه در شیعه را به ۸ دوره، تقسیم‌بندی نموده است: دوره اول: دوره تأسیس؛ دوره دوم: دوره تصنیف؛ دوره سوم، دوره اختلاط علم اصول با علم کلام؛ دوره چهارم: دوره کمال و استقلال مجدد علم اصول؛ دوره پنجم: دوره رکود استنباط و توقّف علم اصول شیعه امامیه؛ دوره ششم: دوره نهضت مجدد به وسیله ابن ادریس حلی؛ دوره هفتم: دوره ضعف و فتور علم اصول؛ دوره هشتم: دوره جدید. مؤسس این دوره، وحید بهبهانی است.

۹- به نظر می‌رسد استاد در تقسیم‌بندی ادوار فقه شیعه از تقسیم‌بندی خویش در خصوص «ادوار علم اصول» بهره برده و می‌توان گفت ادوار فقه با رویکرد اصولی، تقسیم‌بندی شده است. به عنوان نمونه، دوره چهارم از ادوار علم فقه، «عصر کمال و اطلاق اجتهاد» نام دارد و عنوان دوره چهارم از دوره‌های علم اصول، «دوره کمال و استقلال مجدد علم اصول» نامگذاری شده است.

۹- آیت‌الله سید محمود هاشمی شاهرودی (ره) («مکتب فقهی اهل بیت (ع)»، ۱۳۸۱ شمسی)

از نظر آیت‌الله شاهرودی، فقه شیعه، ۲ مرحله را پشت سر گذاشته است: ۱- مرحله فقه روایی یا عصر صدور؛ ۲- مرحله فقه اجتهادی یا عصر اجتهاد.

در مرحله اخیر، فقه، ادوار ششگانه را طی کرد. مؤلف، مراحل تکامل فقه اهل بیت را به شش مرحله، تقسیم‌بندی کرده است:

۱- مرحله تأسیس و پایه‌گذاری فقه استدلالی. این مرحله، از عصر غیبت آغاز می‌شود و در اوائل قرن پنجم، پایان می‌یابد.

- ۲- مرحله انطلاق (جهش). این دوره از عصر شیخ طوسی آغاز و تا زمان محقق حلّی، ادامه می‌یابد.
- ۳- مرحله استقلال و تکامل از زمان محقق حلّی تا شهید ثانی.
- ۴- مرحله تطرف و عدم اعتدال (افراط و تفریط). در این مرحله، تقابل بین دو گرایش فقهی (گرایش عقل‌گرا و گرایش اخباری)، بود.
- ۵- مرحله اعتدال و میانه‌روی. این دوره، با نقد گرایش افراطی اخباری‌گری، آغاز شد.
- ۶- مرحله پختگی و کمال: دوره شیخ انصاری.

بررسی:

- ۱- در این تقسیم‌بندی، عصر ائمه و زمانه فقه روایی، جزء ادوار و مراحل فقه محسوب نشده است.
- ۲- از ویژگی‌های این تقسیم‌بندی، آن است که مراحل فقه شیعه از زمان شیخ کلینی شروع می‌شود.
- ۳- با عنایت به تقدّم و تأخّر زمانی دو گرایش متفاوت (عقل‌گرایی و اخباری‌گری) در مرحله چهارم و تحوّل فقه شیعه توسط این دو جریان فکری، به نظر می‌رسد باید هر کدام از این دو گرایش را مرحله مستقل، منظور نماییم.
- ۴- این تقسیم‌بندی با سایر تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته توسط تاریخ‌نویسان فقه امامیه، تعارضی ندارد.
- ۵- تقسیم مباحث علم اصول فقه به پنج قسم (ألفاظ، استلزامات عقلی، حُجج و أمارات، اصول عملیه و تعارض ادله)، از ویژگی‌های دوره شیخ انصاری، شمرده شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۱، ۴۱-۶۱).
- ۶- حسب نوشته یکی از شاگردان مؤلف، مراحل فقه شیعه توسط آیت‌الله شاهرودی در دوره «تربیت محققان مؤسسه دائره المعارف اسلامی بر مذهب اهل بیت»، در سال ۱۳۷۷ تدریس شد و با توجه به اینکه همه منابع فقه شیعه، بررسی نشده و نمونه‌خوانی کامل صورت نگرفته فلذا احتمال تغییر در تقسیم‌بندی فوق، وجود دارد و «چه بسا با بررسی تمام منابع فقهی، برای شناخت عمیق همه تاریخ فقه شیعه در این تقسیم‌بندی تغییری رخ دهد زیرا که این تقسیم‌بندی بر پایه حدس و تخمین استوار بوده است.» (مبلّغی، ۱۳۸۲، ۲۷۴-۳۴۰).
- ۷- در این تقسیم‌بندی نیز، دوره پس از انقلاب اسلامی ایران به عنوان مرحله یا دوره مستقل، معرفی نشده است.

۱۰- آیت‌الله جعفر سبحانی (ادوار الفقه الإمامی، ۱۴۲۴ قمری)

- فقه شیعه امامیه از دیدگاه استاد سبحانی، ادوار هفتگانه زیر را طی کرده است (سبحانی، ۱۴۲۴، ۷).
۱. عصر نشاط حدیثی و اجتهاد (۱۱-۲۶۰ق): از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا آغاز غیبت صغری. مؤلف، در این دوره، به ذکر فقهای شیعه در این دوره از جمله ابورافع و بطور مشخص به فقهای زمان امام باقر و امام صادق(ع)، می‌پردازد.
 ۲. عصر روش حدیث و اجتهاد: از غیبت صغری تا زمان شیخ طوسی. در این دوره، بسیاری از احکام فقهی بر پایه احادیث، بیان می‌شد.
 ۳. عصر رکود (۴۶۰-۶۰۰ق): از شیخ طوسی تا ابن‌ادریس حلی به دلیل عظمت علمی شیخ طوسی و خدمات ارزنده وی به فقه و حدیث شیعه، حدود یک قرن و نیم از تحرک علمی چشمگیر، خبری نبود.
 ۴. عصر تجدید حیات فقهی (۶۰۰-۱۰۳۰ق). در این دوره، نام و آثار و خصوصیات فقهی فقهای برجسته شیعه از اول قرن هفتم تا اواسط قرن یازدهم، ذکر شده است.
 ۵. عصر ظهور حرکت اخباری (۱۰۳۰-۱۱۸۰ق). به دنبال تلاش‌های فکری و اظهارنظرهای آسترآبادی، مذهب اخباری به وجود آمد.
 ۶. عصر تصعید اجتهاد و نشاط فقهی (۱۱۸۰-۱۲۶۰ق). در اثر کوشش‌های وحید بهبهانی و شاگردانش، حرکت اخباریان به افول گرایید، تحرک فقهی بالا گرفت و توجه به علم اصول بیشتر شد.
 ۷. عصر ابداع و تطور فقهی (۱۲۶۰-۱۴۱۸ق). بزرگترین عامل ابداعات فقهی در عصر اخیر، شخصیت شیخ انصاری می‌باشد که با تألیف رسایل و مکاسب، و تربیت شاگردان میرز، خدمات ارزنده‌ای به حوزه، ارائه کرده است. این عصر، با معرفی امام خمینی و آیت‌الله خوئی، به پایان می‌رسد.
- بررسی:
- ۱- نویسنده، عصر تشریح فقه و عصر ائمه را بطور توأمان به عنوان عصر نشاط حدیثی و اجتهاد، معرفی کرده است.
 - ۲- از محاسن این ادوارنگاری، آن است که فقهای هر دوره، معرفی و خصوصیات متمایز کننده هر دوره، بیان شده است.
 - ۳- در این تقسیم‌بندی، دوره چهارم، طولانی‌ترین دوره از ادوار فقه محسوب می‌گردد که یک فاصله زمانی ۴۳۰ ساله را در بر می‌گیرد و با توجه به وجود فقهای عقل‌گرا مانند محقق اردبیلی، قابل تفکیک به دو دوره می‌باشد.

۴- شایسته است که عصر هفتم به دو عصر (عصر ابداع فقهی و عصر استقرار حکومت فقهی)، مجزاً گردد.

۵- این تقسیم‌بندی، در برخی از آثار آیت‌الله سبحانی از جمله موسوعه طبقات الفقهاء، نیز مشاهده می‌شود. (سبحانی، ۱۴۱۸، ۱۱۳).

قسمت دوم) ادوار فقه امامیه از دیدگاه نگارندگان

برخی از فقهاء، سه عامل (زمان، مکان و شخصیت فقها) را به عنوان عوامل مؤثر در تحوّل فقه، نام برده‌اند (أصفی، بی تا، ۲۴-۲۵) ولی به نظر می‌رسد تحوّل فقه، بیش از هر چیز، وابسته به ظهور شخصیت‌های بزرگی از قبیل شیخ طوسی بوده که با نبوغ خویش، فقه را متحوّل کردند. علم فقه، از آغاز پیدایش تاکنون، فرازها و فرودهایی داشته و دوره‌های متعددی را پشت سر گذاشته است. نگارندگان، با توجه به تحوّل فقه در اثر تکامل تدریجی افکار فقهاء، ادوار فقه امامیه را به ۱۳ دوره، بیان کرده‌اند که به دیدگاه استاد دکتر گرجی و آیت‌الله جنّاتی، نزدیک است.

توضیحاً فقه به معنای اصطلاحی، از نیمه دوم قرن چهارم هجری، آغاز می‌شود. افکار فقهی و شخصیت فقهای امامیه، در تحوّل و پویایی فقه در طول تاریخ بویژه از نیمه دوم قرن چهارم به بعد، نقش سازنده و تأثیر بسزایی داشته است که در ادامه، به آنها خواهیم پرداخت.

۱- دوره تشریح

۲- دوره تفسیر و تبیین شریعت (دوره فقه روایی)

۳- دوره غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ق)

۴- دوره قانونمندی و تبویب فقه (دوره آغاز اجتهاد)

۵- دوره کمال و اطلاق اجتهاد (دوره شیخ طوسی)

۶- دوره تقلید (دوره رکود نسبی علم فقه)

۷- دوره نهضت مجدد مجتهدان (دوره استدلال)

۸- دوره گسترش استدلال (از ظهور علامه حلی تا وفات شیخ بهایی)

۹- دوره استیلای اخباریان (۱۰۳۶-۱۱۸۶)

- ۱۰- دوره رشد و تکامل فقه و اصول؛ دوره اعتدال (از ظهور وحید بهبهانی تا وفات صاحب جواهر)
 ۱۱- دوره تدقیق و تعمیق در مباحث فقهی و اصولی (دوره شیخ انصاری)
 ۱۲- دوره تلخیص (از ظهور آخوند خراسانی تا پیروزی انقلاب اسلامی)
 ۱۳- دوره حاکمیت فقه و فقهای امامیه

۱- دوره تشریح

این دوره که ۲۳ سال، طول کشیده، شامل دو مقطع است: الف) از آغاز بعثت حضرت محمد (ص) تا هجرت از مکه به مدینه (سیزده سال)؛ ب) از هجرت تا رحلت پیامبر اعظم (ص) (ده سال). تأسیس حکومت اسلامی در مدینه را می‌توان آغاز دوران فقه سیاسی، معرفی کرد.

فقه، در صدر اسلام بر یکی از دو معنای زیر اطلاق شده است^۱: ۱- معنای لغوی آن: مطلق فهم، فهم عمیق (طریحی، ۱۴۱۶ق، ۳۵۵/۶) مانند آیه شریفه «... رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اَحْلِلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي (طه، آیات ۲۵-۲۸)»؛ ۲- معنای عام فقه (بصیرت در دین). به عنوان نمونه، در آیه نفر: «فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه، ۱۲۴) و همچنین در برخی از روایات از قبیل «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ فَقِيهًا عَالِمًا» (مشکینی، ۱۴۱۶، ۲۰)، لفظ فقه در این معنای عام به کار رفته است. مراد از معنای عام فقه، همه معارف سه‌گانه اسلامی یعنی عقاید، اخلاق و احکام فقه، می‌باشد. (طریحی، ۱۴۱۶، ۳۵۵، ۶).

قرآن و سنت پیغمبر (ص)، به عنوان دو منبع مهم استنباط احکام در این دوره، بوده است. اکثر احکام فقهی در مدینه، تشریح شده و حتی از باب تغلیب، می‌توان دوره تشریح و صدور احکام را به مقطع دوم این دوره، یعنی فاصله زمانی «هجرت تا رحلت»، اختصاص داد.

البته این بدان معنا نیست که در این دوره، تفریع و استنباط احکام، صورت نگرفته است. پیامبر اکرم (ص)، اصحاب خویش را در صورت عدم دسترسی به کتاب و سنت، به اجتهاد، تشویق می‌کرد. هنگامی که پیامبر (ص)، تصمیم گرفت معاذ بن جبل را - که از کبار صحابه بود - به عنوان قاضی و راهنمای مردم به یمن بفرستد، به

^۱ - معروفترین تعریف علم فقه از صاحب معالم است که در ابتدای مقدمه مقاله، ذکر شد.

وی گفت: «یا معاذ! یمَ تَحکُم؟»: به چه حکم می‌کنی؟ معاذ پاسخ داد: به کتاب خدا. پیامبر(ص) فرمود: «فَإِنْ لَمْ تَجِدْ؟»: اگر در قرآن نیافتی؟ معاذ پاسخ داد: به سنت پیغمبر. پیغمبر(ص) فرمود: «فَإِنْ لَمْ تَجِدْ؟»: اگر در سنت پیدا نکردی [چه کار می‌کنی]؟ معاذ پاسخ داد: «أَجْتَهِدُ رَأْيِي وَ لَا أَلُو»: اجتهاد می‌کنم و چیزی را فروگذار نمی‌کنم. پیامبر(ص) در اینجا فرمود: أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَ رَسُولَ اللَّهِ لِمَا يَرْضَاهُ. (شهابی، ۱۳۶۶، ۱، ۴۷)

۲- دوره تفسیر و تبیین شریعت (دوره فقه روایی)

این دوره، از سال ۱۱ هجری، آغاز می‌شود و تا آغاز غیبت صغری (سال ۲۶۰ ق)، ادامه دارد. در این دوره، امکان دسترسی به ائمه معصومین(ع)، فراهم است اما چون ائمه «در حقیقت، مفسران شریعت به شمار می‌آمدند، نمی‌توان آن بزرگواران را به عنوان فقیه، معرفی کرد.» (گرچی، ۱۳۷۵، ۱۸). سنت پیغمبر(ص) و ائمه(ع) اعم از قول، فعل و تقریر، منبع فقه می‌باشد.

مراکز علمی فعال در این دوره، عبارتند از: مدرسه مدینه و مدرسه کوفه.

اصحاب اجماع، زراره، ابان بن تغلب و محمدبن مسلم از فقهای این دوره و از اصحاب برجسته امامان (علیهم‌السلام) بودند که با هدایت ائمه، احادیث و مسایل فقهی را بیان می‌کردند و بعضاً برای مردم فتوا می‌دادند. «اصحاب اجماع»، به گروهی از بزرگان اصحاب ائمه، گفته می‌شود که بر صحت روایات منقوله از آنان، ادعای اجماع شده است. اصحاب اجماع، شامل ۲۱ نفر از فقها مانند زراره، محمدبن مسلم و جمیل بن دراج، می‌باشند (مدیرشانه‌چی، بی تا، ۲۵-۲۶)

«بنابر آنچه از روایات مذهبی به دست می‌آید، امامان شیعه به تحریک و ایجاد زمینه تفکر تعقلی و استدلالی در میان شیعیان خود، علاقه فراوانی داشته‌اند.» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲، ۳۷) و آنان را به شرکت در جلسات بحث و مناظره و همچنین إفتاء، ترغیب می‌کردند. امام صادق(ع) به ابان بن تغلب، فرمود: «یا ابان إجلس فی المسجد و أفتِ للنَّاسِ فَإِنِّي أَحَبُّ أَنْ يُرَى فِي أَصْحَابِي مِثْلُكَ» (مشکینی، ۱۴۱۶، ۲۰). در حدیث «علینا إلقاء الأُصول و علیکم التفریع» (حرّ عاملی، ۱۳۷۵، ۴۱، ۱۸) به صراحت، بیان اصول و قواعد کلی به عهده ائمه(ع)، و تفریع و استنباط احکام فقهی، حسب مورد بر عهده اصحاب و فقها، گذاشته شده است.

اگرچه، در تقسیم‌بندی ارائه شده، زمانه فقه روایی را یک دوره مستقل، محسوب کرده‌ایم ولی در این دوره، به دلیل حضور ائمه، اجتهاد به صورت ساده صورت می‌گرفت و فقه، در این دوره، به شکل نقل حدیث از ائمه، بوده است و این موضوع از امتیازات این دوره، می‌باشد.

*^۱ شایان ذکر است عصر پیشوایان مذاهب اربعه اهل سنت (ابوحنیفه، مالک، شافعی و احمدبن حنبل)، از نظر زمانی، مقارن با دوره دوم از ادوار فقه امامیه، می‌باشد. کتاب الموطأ مالک در حدیث و فقه، کتاب الرّسالة شافعی در علم اصول فقه، کتاب اللمّ شافعی در فقه و کتاب الممسند احمدبن حنبل در حدیث، از آثار ائمه اربعه اهل سنت، می‌باشد.

۳- دوره غیبت صغری (۲۶۰-۳۲۹ ق)

در این دوره، افزون بر نواب اربعه امام زمان (عج)، دانشمندانی از قبیل شیخ کلینی (۳۲۹ق) و ابن بابویه پدر شیخ صدوق (۳۲۹ق)، حضور داشتند.

کتاب «کافی»، اولین منبع از منابع حدیثی شیعه امامیه است که توسط شیخ کلینی، در این دوره، تألیف شد. کلینی در تاریخ فقه و حدیث، به عنوان ثقة الإسلام و محدث، شهرت دارد. کتب اربعه حدیثی شیعه، عبارتند از: کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار. گفتنی است با توجه به تأثیرگذاری افکار مؤلفین کتب اربعه (شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی) در تحوّل فقه امامیه، نگارندگان در تقسیم‌بندی خویش، هر کدام از این سه فقیه بزرگ را در یک دوره مستقل از یکدیگر (دوره سوم، چهارم و پنجم)، معرفی کرده‌اند. فقهای این دوره، میانه‌خوبی با استدلال‌ات عقلی در مسایل فقهی نداشتند فلذا فتاوی فقهای این دوره، نصوص احادیث بود و غالباً سلسله سند را از آغاز حدیث برمی‌داشتند و از تحلیل فقهی، خبری نیست. کتاب الشرائع ابن بابویه، یک کتاب فقهی فتوایی به زبان ساده و صرفاً حاوی فروعی بود که در روایات، وارد شده بود. در این دوره، قم و ری مرکز علمی بود. مهمترین دلیل انتقال مکتب فقهی از عراق به ایران، امن بودن ایران برای نشر علوم اسلامی می‌باشد.

شایان ذکر است که بساطت مسایل فقهی در این دوره، سادگی استنباط احکام را به دنبال داشت و این موضوع، بسیار قابل تأمل و تعمق است. در قرون بعد، بویژه در قرون اخیر، افزون بر عدم دسترسی به معصومین (ع)، با مرور زمان و افزایش و پیچیدگی مسایل مورد ابتلای مردم و همچنین پیدایش مسایل مستحدثه از قبیل مسایل مربوط به حقوق خانواده، بیمه، مسایل بانکی و غیره و بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی و طرح سوالات و شبهات متعدّد، اجتهاد فقها نیز وسیعتر و گسترده‌تر گردید که در نهایت، موجب تحوّل و پویایی علم فقه شد.

^۱ - نگارندگان، در انتهای برخی از دوره‌ها، به دوره فقه اهل سنت که تقریباً مقارن با ادوار فقه امامیه می‌باشد، با علامت * اشاره کرده‌اند.

۴- دوره قانونمندی و تبویب فقه (دوره آغاز اجتهاد)

فقه به معنای اصطلاحی، از این دوره، آغاز می‌شود. این دوره از حدود آغاز غیبت کبری شروع می‌شود و تا وفات سیدمرتضی (سال ۴۳۶ق) و به تعبیری دیگر تا ظهور شیخ طوسی، ادامه دارد. مجتهدانی از قبیل قدیمین (ابن‌ابی‌عقیل عمّانی و ابن‌جُنید اسکافی (۳۸۱ق))، شیخ مفید (۴۱۳ق) و سید مرتضی (م ۴۳۶ق)، اولین فقهایی هستند که اجتهاد شیعه را پی‌ریزی کردند و با تفریح فروع و تبویب کتب فقهی، پویایی فقه شیعه را به نمایش گذاشتند. در این مرحله، عملیات اجتهاد، ابتدایی بود. خارج کردن فقه از صورت نقل متون احادیث و ردّ فروع به اصول، از امتیازات این دوره است.

قدیمین، در استنباطات فقهی، گرایش عقلی داشتند. اُستَرآبادی، منهج فقهی قدیمین را نقطه آغاز انحراف در میان فقه‌های شیعه می‌داند (اُستَرآبادی، بی‌تا، ۳۰) این کلام اُستَرآبادی، ذمّ شبیه به مدح است و در واقع، قدیمین را پایه‌گذار اجتهاد، معرفی کرده است.

ابن‌ابی‌عقیل عمّانی، «نخستین کسی [است] که در استنباط احکام فقه به مسایل اصولی، توجّه کرد.» (شهبازی، بی‌تا، ۴۸-۴۷). در این دوره، علم اصول فقه، وارد عالم تشیع گردید و اولین کتاب کامل در علم اصول با نام *الذریعه إلى أصول الشریعه* توسط سید مرتضی، نوشته شد.

شیخ صدوق (۳۸۱ق)، یکی از مهمترین منابع حدیثی شیعه را با نام *من لا یحضره الفقیه*، تدوین کرد. همچنین، کتب *علل الشرائع* و *عیون أخبار الرضا* در حدیث و *المقنع* و *الهدایه* در فقه از جمله آثار علمی شیخ صدوق می‌باشد. شیخ صدوق در دو کتاب اخیر، طبق مدلول و مضمون روایات، فتوا می‌دهد که به روش حدیثی، شهرت دارد. شیخ صدوق، به دعوت امیر رکن الدوله بویه در شهر ری، سکنی گزید و از این فرصت برای نشر علوم دینی، استفاده بهینه کرد. حکومت شیعی‌مذهب آل‌بویه، در پیدایش و رشد حدیث، تأثیر بسزایی داشت.

مبدأ تدوین علم فقه در نزد شیعه، دوره چهارم، می‌باشد. مطالعه و مذاقه در کتاب *المقنع* شیخ مفید، گواه این مدعا می‌باشد. همچنین شیخ مفید، با تألیف کتاب *الأعلام فیما إتفقت الإمامیه علیه من الأحکام*، نخستین بنای فقه مقارن را گذاشت و سید مرتضی با تألیف کتاب *الانتصار* در متفردات امامیه، این بنا را تکمیل کرد. شیخ مفید، میان مبانی حدیثی و عقلی، جمع کرد و در استنباط احکام فقهی از هر دو مبناء، استفاده نمود. ایشان، برای گشودن راه تعقل در فقه و نجات علمی و فکری شیعه، از روش محدثین (شیخ کلینی و شیخ صدوق) و

روش قدیمین، انتقاد کرد و با این کار، خدمات ارزنده‌ای به سیر تکاملی فقه، عرضه نمود. شیخ مفید در شیوه اجتهادی خویش برای عقل، جایگاه ویژه‌ای قائل بود و بر این اعتقاد بود که اگر حدیثی مخالف احکام عقل باشد، مردود است و مبنای حکم قرار نمی‌گیرد: «إن وجدنا حدیثاً یخالف أحكام العقول طرحناه لقضیه العقل بفساده.» (مفید، ۱۴۱۴، ۱۴۹).

در ابتدای این دوره، شهر قم و ری، مرکز علمی بود و در قرن پنجم، مدرسه فقه به بغداد، منتقل گردید (اصفی، بی تا، ۵۱، ۱). از دلایل این انتقال، می‌توان کاهش فشارهای حکومت عباسی نسبت به فقها و ظهور شخصیت‌های برجسته‌ای مانند شیخ طوسی را نام برد.

* دانشگاه الأزهر مصر در سال ۳۶۱ق، ۹۷۲م، در ابتدای خلافت فاطمیان در شهر قاهره، تأسیس شد. امروزه، الأزهر، مرکز اصلی علوم اسلامی اهل تسنن در جهان می‌باشد.

۵- دوره کمال و اطلاق اجتهاد (دوره شیخ طوسی)

مدت این دوره، فقط ۲۴ سال - یعنی، از وفات سید مرتضی و ظهور شیخ طوسی، تا سال ۴۶۰ طول کشید. این دوره کوتاه را یک دوره مستقل، معرفی کردیم زیرا بر این باور هستیم که در این دوره، فقه امامیه، توسعه چشمگیری پیدا کرد. از اقدامات مؤثر و مفید شیخ طوسی، آن است که با آگاهی از زمانه و از راه تفریح، فروع جدیدی به علم فقه وارد شد.

از مراجعه به مصنّفات فقهی شیخ طوسی از قبیل المبسوط در فقه استدلالی، الخلاف در فقه مقارن، النّهایه در فقه و فتاوی، جهش در حیات علمی و فقهی شیعه، کاملاً واضح است. قبلاً گفته شد که آیت‌الله هاشمی شاهرودی (ره)، دوره شیخ طوسی تا زمان محقق حلی را دوره «إنطلاق» (جهش) فقه، نامگذاری کرده بود. «شالوده این دو کتاب [مبسوط و خلاف]، از متون سنی گرفته شده و بدین وسیله بخش مهمی از معارف حقوقی سنی به فقه شیعی انتقال یافته و موجب رشد و شکوفایی بیشتر آن گردیده است.» (مدرّسی طباطبایی، ۱۳۶۲، ۵۹) بنابراین، شیخ طوسی با حفظ شکل تعقلی و تحلیلی فقه از یک سو و بهره‌گیری از میراث فقهی اهل سنت از سوی دیگر، بر پایه مبانی فقه امامیه، چهره فقه شیعی را دگرگون کرد و موجب تحوّل در فقه گردید و توانست اجتهاد و فقه شیعه را در برابر اجتهاد اهل سنت، عملاً استقلال دهد.

مؤسس حوزه علمیه نجف، دو کتاب مهم از منابع حدیثی شیعه امامیه را با نام تهذیب الأحکام و الإستبصار، تألیف نمود. شیخ الطائفه، در علم اصول، کتاب عُدَّةُ الْأَصُول را نوشت و با اعتبار بخشیدن به خبر واحد، کتاب المَبْسُوط را به روش استنباط اصولی خویش، نوشت.

مرکز علمی فعال در این دوره، بغداد، بود. سلجوقیان به رهبری طغرل‌بیک در سال ۴۴۷ قمری، دولت آل‌بویه را در بغداد ساقط کردند و با توجه به آتش فتنه و اختلاف بین شیعه و سنی، شیخ طوسی، از بغداد به نجف، مهاجرت کرد و حوزه علمیه نجف را تأسیس نمود.

۶- دوره تقلید (دوره رکود نسبی علم فقه)

دوره تقلید، از وفات شیخ طوسی تا قبل از ابن‌ادریس حلی (متوفی ۵۹۸ ق) را شامل می‌شود. فقه شیعه از نیمه قرن پنجم تا نیمه قرن هفتم، دچار رکود نسبی گردید و حدود متجاوز از یک قرن تا زمان ابن‌ادریس، سیر اجتهاد در مسایل فقه، متوقف گردید. پس از شیخ طوسی، فقها، غالباً از فتاوی شیخ طوسی پیروی می‌کردند. اصطلاحاً به فقهای این دوره، «مقلدین» گفته می‌شود. بعد از این دوره، استدلالات عقلی، راه خود را در فقه شیعه، بیشتر گشود.

افزون بر عظمت و نبوغ علمی شیخ طوسی و فقدان فقهای نامدار، نابسامانی فرهنگی اجتماعی و تحولات سیاسی زمانه از جمله حمله و استیلای ترکان سلجوقی (۴۲۹-۵۹۰) و فشار شیعه از سوی حاکمان سنی مذهب را می‌توان از جمله عوامل رکود فقه شیعه در بازه زمانی مذکور دانست.

برخلاف نظر مشهور که معتقدند مخالفت با آرای شیخ طوسی توسط ابن‌ادریس، صورت گرفته، به نظر می‌رسد قبل از ابن‌ادریس، قاضی ابن‌برّاج (متوفی ۴۸۱ قمری) با برخی از نظرات شیخ طوسی مخالفت نموده است. استاد مدیرشانه‌چی نیز در ردّ نظر مشهور در این خصوص می‌نویسد: «تعمیم این قول، با اجتهاد قاضی ابن‌برّاج، منافات دارد...» (مدیرشانه‌چی، ۱۳۵۲، مقدمه کتاب) همچنین، ابن‌زهره حلبی (متوفی ۵۸۵ ق) در کتاب غُنِيَّةُ النَّزْوَعِ با پاره‌ای از آرای شیخ که تا آن زمان مورد مخالفت واقع نشده بود به مخالفت برخاست.

قاضی ابن‌برّاج، امین‌الإسلام طبرسی (۵۴۸ق) صاحب تفسیر مجمع‌البیان، راوندی (۵۷۳ق) مؤلف کتاب فقه القرآن، ابن‌زهره حلبی و ابن‌شهرآشوب مازندرانی (۵۸۸ق) از دانشمندان این دوره هستند.

* عصر انسداد باب اجتهاد نزد اهل سنت از اوائل قرن چهارم تا سقوط دولت عباسی (۶۵۶ قمری) را شامل می‌شود. در این عصر با توجه به گزینش مذاهب فقهی، اجتهاد در اهل سنت به ضعف رسید. (زرqa، ۱۹۶۷،

۱۴۶). حجة الاسلام امام محمد غزالی (م ۵۰۵ق) دانشمند شافعی مذهب و ابن رشد (۵۹۵ق) صاحب کتاب بدایة المجتهد، از علمای این دوره هستند.

۷- دوره نهضت مجدد مجتهدان (دوره استدلال)

این دوره، بیش از صد سال طول کشید و از ظهور ابن ادریس حلی آغاز می‌گردد و تا وفات محقق حلی (متوفی ۶۷۸ق) ادامه دارد.

در این دوره، اجتهاد بار دیگر به جامعه شیعه، بازگشت و به تدریج تکامل یافت. ابن ادریس حلی در کتاب سرائر، علاوه بر بیان آرای فقهی خویش، مبنای اصولی در هر مسأله را ذکر کرده و آرای فقهی و اصولی شیخ طوسی را مورد نقد قرار داده است. روش وی، بیانگر آن می‌باشد که از «روح تقلید حاکم بر زمانه، شدیداً رنج می‌برده است». (گرچی، ۱۳۶۱، ۳۹-۴۰)

نخستین کسی که در بین علمای شیعه بطور واضح در خصوص عقل، سخن گفته، ابن ادریس حلی (م ۵۹۸ق) است. وی معتقد است که پس از یأس از یافتن حکم در کتاب، سنت و اجماع، به سراغ عقل می‌رویم. به تعبیر دیگر دلیل عقل از ادله اربعه است اما طولاً نه عرضاً. ابن ادریس در کتاب سرائر گوید: «... فاذا فقدت الثلاثه^۱ فالمعتمد فی المسائل الشرعیة عند المحققین الباحثین عن مأخذ الشریعة، التمسک بدلیل العقل فیها». (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۴۶)، یعنی، وقتی حکم مسأله را در قرآن و سنت نیافتیم و اجماعی هم وجود نداشت به عقل تمسک می‌کنیم.

اکثر دانشمندان شیعه به تبعیت از ابن فقیه نواندیش، عقل را در طول ادله قرار داده و گفته‌اند: رجوع به عقل، بعد از رجوع به منابع سه‌گانه است. علی‌الظاهر، محقق حلی، اولین فقیهی است که مراد از دلیل عقل را تبیین فرموده است. وی، دلیل عقلی را دو قسم می‌داند: قسم اول - آنچه خطاب [شارع] بر آن توقف دارد چون لحن الخطاب و فحوی الخطاب و دلیل الخطاب. قسم دوم - آنچه را دلیل عقل به تنهایی، عهده‌دار آن است، در وجوه حسن و قبح منحصر می‌باشد (المعتبر، ۳۱-۳۲).

تقسیم مباحث فقه در ۴ مبحث (عبادات، عقود، ایقاعات و سیاسات) در کتاب شرائع الإسلام، از ابتکارات محقق حلی است.

۱- یعنی کتاب، سنت و اجماع.

بعد از اشغال بغداد توسط هولاکوخان مغول در سال ۶۵۶ق و سقوط دولت عباسی و از بین رفتن مرکزیت علمی بغداد، نشاط فقهی به حله، منتقل گشت. پرچمدار مدرسه حله، محقق حلی است. حیات مدرسه حله، از نیمه قرن هفتم آغاز شد و تا دوران شهید ثانی (۹۶۵ق)، ادامه داشت.

۸- دوره گسترش استدلال (از ظهور علامه حلی تا وفات شیخ بهایی)

به لحاظ انجام تحقیقات فقهی و تألیف کتب فقهی استدلالی از قبیل تذکره علامه، جامع المقاصد، شرح لمعه، مسالک الإفهام و مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دوره هشتم از ادوار فقه را دوره گسترش استدلال، نام نهاده‌ایم. این دوره از زمان علامه حلی (۷۲۶ق)، آغاز می‌شود و تا وفات شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ق)، ادامه پیدا می‌کند. «معمولاً در متون فقهی، ادوار فقه شیعه را به دو دوره متقدمین و متأخرین تقسیم می‌کنند... متقدمین، دانشمندان پیش از محقق یا علامه حلی و متأخرین، فقهای پس از آنانند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ۲۹-۳۰). در حال حاضر، تقسیم فقها به فقهای متقدم و متأخر، دقیق به نظر نمی‌رسد و با ابتکار و نوآوری فقها و ایجاد تحول در فقه در بستر زمان، سازگاری ندارد.

انتهای دوره هشتم و دوره اخباریان با عصر صفویه، مقارن است. دوره هشتم، شامل دو مدرسه فقهی است: ۱- ادامه حیات مدرسه حله توسط فقهای از قبیل علامه حلی و شهید اول؛ ۲- ابتدای مدرسه فقهی عصر صفوی (۹۰۶-۱۰۳۰ق).

فقهای شاخص دوره هشتم، عبارتند از: علامه حلی (۷۲۶ق)، فخرالمحققین (۷۷۱ق)، شهید اول (۷۸۶ق)، فاضل مقداد (۸۲۶ق)، محقق کرکی (۹۴۰ق)، شهید ثانی (۹۶۵ق)، محقق اردبیلی (۹۹۳ق) فقیه آزاداندیش، صاحب مجمع الفائدة و البرهان، صاحب مدارک (۱۰۰۹ق)، صاحب معالم (۱۰۱۱ق)، فاضل جواد (۱۰۲۹ق) مؤلف مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام و شیخ بهایی (۱۰۳۰ق)، صاحب کتاب جامع عباسی، اولین کتاب فقه به زبان فارسی.

پرچمدار این دوره، علامه حلی است. مهمترین اثر وی، کتاب تذکره الفقهاء می‌باشد. در توصیف کار مؤلف، همین بس که صاحب کتاب ألفارق، می‌نویسد: «بزرگترین و شجاعانه‌ترین کار علامه، توسعه اجتهاد در دایره وسیع ادله و استدلال صاحبان نظر در همه مذاهب خمس است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۲، ۴). یکی از کارهای بزرگ علامه حلی، به رسمیت شناختن اجتهاد و مقام مجتهد است، به گونه‌ای که در قرون بعد، از جمله

در عصر صفویه و قاجار، «عنوان مجتهد، همچون یک مقام اجتماعی بسیار مهم، کاربرد یافت.» (کاظمی موسوی، ۱۳۹۵، ۵)

از زمان علامه تا شهیدثانی، کتب اصولی علامه حلّی، مدار بحث و درس در اصول فقه بود تا اینکه صاحب‌معالم، کتاب معالم را تصنیف نمود. قدیمی‌ترین کتاب در باره قواعد فقه امامیه، کتاب القواعد و الفوائد توسط شهید اول، در این دوره تألیف شده است. از ویژگی‌های این دوره، که در نتیجه توسعه بحث حجیت خبر واحد، رخ داد، تقسیم خبر واحد توسط علامه حلّی به اقسام چهارگانه (صحیح، حسن، موثق و ضعیف)، می‌باشد. (مدیرشانه‌چی، بی تا، ۲۸).

مرکز علمی فعال در این دوره، حلّه و جبل عامل بود. در زمان صفویه، مکتب جبل عامل به اصفهان منتقل گشت. محقق اردبیلی، معاصر صفویه است اما در آن عصر، به ایران نیامد و حوزه نجف را احیا نمود. شایان ذکر است تا قبل از ظهور صفویه، فقه شیعه، غالباً توسط فقهای غیرایرانی تدوین شده اما از اواسط عصر صفویه به بعد، غلبه با ایرانیان است.

فقه عصر صفوی، از نظر گرایش‌های حاکم بر آن، به سه مکتب فقهی تقسیم می‌شود: الف) مکتب محقق کرکی؛ ب) مکتب محقق اردبیلی؛ ج) مکتب اخباریان (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ۳۰ - ۶۲؛ همو، ۱۳۶۲، ۳۷ - ۷۴). محقق کرکی، نخستین فقیه شیعه است که در آغاز عصر صفوی، منصب شیخ الاسلامی، به وی تفویض شد. وی، مسایل حکومتی و اجتماعی را در کتاب جامع المقاصد، طرح کرد و با تأسیس حوزه اصفهان، در خط‌مشی دولت صفوی، نقش مهمی داشت و به همین لحاظ، بخش اول از فقه صفوی، به مکتب محقق کرکی، نامگذاری شده است.

* روح تقلید در میان فقهای اهل سنت، از سال ۶۵۶ قمری، حاکم گشت و تا ظهور المجلّه به سال ۱۲۹۳ قمری، ادامه داشت. بازه زمانی مذکور، به عنوان عصر انحطاط علم فقه، معرفی شده است (زرقا، ۱۹۶۷م، ص ۱۴۶). ابن قدامه حنبلی (۶۲۰ق) صاحب کتاب المغنی، شیخ الإسلام ابن تیمیه حنبلی (۷۲۸ق) و شاگردش ابن قیم جوزیه (۷۵۱ق)، از فقهای این دوره هستند.

۹- دوره استیلای اخباریان (۱۰۳۶-۱۱۸۶)

با توجه به غلبه اخباری‌گری بر مراکز فقهی در قرن دوازدهم، به نظر می‌رسد دوره اخباریان را باید دوره مستقل، به حساب آوریم. این دوره، بازه زمانی مولی محمدامین استرآبادی (۱۰۳۶م) تا پایان حیات شیخ یوسف

بحرانی (۱۱۸۶ق) یعنی، حدود دو قرن را شامل می‌شود. در اوائل قرن یازدهم، استرآبادی با انتشار کتاب «ألفوائد المدنیة»، طرح جدیدی را در روش استخراج احکام، مطرح ساخت و مسلک اخباری را در بین علمای شیعه، رواج داد. بنیادهای فکری مکتب اخباری‌گری را در جریان‌های فکری قرون اولیه و مکتب حدیثی قم و ری در قرن چهارم، می‌توان یافت.^۱ در تاریخ فقه و اصول به پیروان استرآبادی، اصطلاحاً «اخباریان» گفته می‌شود. این اصطلاح در برابر مجتهدان به کار می‌رود.

دوره اخباریان، شامل دو قسمت می‌شود: الف) ادامه حیات مدرسه فقهی عصر صفوی (۱۰۳۶-۱۱۳۵) که مقارن با ظهور اخباریان است؛ ب) بعد از سقوط صفویه (۱۱۳۵) تا سال ۱۱۸۶ که دوران حیات اخباری معتدل و سلیم‌النفس شیخ یوسف بحرانی، می‌باشد.

اخباریان معتدل و میانه‌رو، عبارتند از: پدر علامه مجلسی (۱۰۷۰ق)، ملامحسن فیض‌کاشانی (۱۰۹۱ق)، شیخ‌حرّ عاملی (۱۱۰۴ق)، علامه مجلسی (۱۱۱۰ق)، سید نعمت‌الله جزایری (۱۱۱۳ق) و شیخ یوسف بحرانی. استیلاي دولت صفوی و پیدایش مکتب اخباری، زمینه مساعدی را برای نشر علوم اسلامی فراهم آورد. دولت صفوی، توجه خاصی به علمای دینی داشت و همین امر، یکی از عوامل تدوین جوامع بزرگ حدیثی («ألوفی» فیض‌کاشانی، «وسائل الشیعة» شیخ‌حرّ عاملی و «بحار الأنوار» علامه مجلسی)، محسوب می‌شود و به لحاظ تدوین جوامع ثانویه حدیث، عصر صفویه را می‌توان عصر طلایی حدیث شیعه، نامگذاری کرد. گفتنی است کتاب وسائل الشیعه، جامعترین کتاب در احادیث فقهی شیعه امامیه، می‌باشد.

با وفات علامه مجلسی، دولت صفوی از یک حامی بزرگ، محروم شد و بعد از ۲۵ سال، ساقط گردید. در این دوره، کتب فقهی بر مبنای احادیث فقهی، نگاشته شد از قبیل مفاتیح‌الشرائع ملامحسن و الحدائق‌الناضرة بحرانی. در دوره اخباریان، تقابل بین دو گرایش فقهی بود: الف) گرایش عقل‌گرا به رهبری محقق اردبیلی، توسط «أتباع المقدس^۲» و دیگران؛ ب) گرایش اخباری به نمایندگی استرآبادی. فقهایی از قبیل فاضل تونی (۱۰۷۱ق)، ملاصالح مازندرانی (۱۰۸۰ق) و محقق سبزواری (۱۰۹۰ق)، در دوره اخباریان، زندگی می‌کردند.

^۱ - استرآبادی، معاصر فرانسویس بیکن (متوفی ۱۶۲۶م) است. بیکن، زمینه‌ساز فلسفه حسّی در اروپا می‌باشد. مکتب حس‌گرایی به وسیله جان لاک و دیوید هیوم، به محافل فلسفی اروپا راه یافت. شاید بتوان پیدایش اخباری‌گری در جهان اسلام را بازتاب پیدایش فلسفه حسّی در اروپا دانست.
^۲ - صاحب جواهر، از سه نفر از فقها به نامهای صاحب مدارک، محقق سبزواری و فیض کاشانی، به عنوان «أتباع المقدس» نام می‌برد (صاحب جواهر، بی تا، ۷: ۳۴۳) و «روش متهورانه و آزاد این فقیهان و بی‌اعتنایی آنان را به آراء و افکار پیشینیان نمی‌پسندد.» (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ۵۶: ۶۹، ۱۳۶۲، ۶۹)

مراکز و حوزه‌های علمی فعال در دوره اخباریان، عبارت است از: نجف، کربلا (پایگاه شیخ یوسف بحرانی)، بحرین، اصفهان و بهبهان.

طرفداران عدم اعتبار عقل در طول تاریخ فقه و اصول

در طول تاریخ فقه امامیه، طرفداران عدم اعتبار عقل در استنباط حکم فقهی و به تعبیری دیگر «نص‌گرایان» به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: دسته اول: محدثین صدر اول شیعه؛ دسته دوم: اخباریان (گرجی، ۱۳۷۵، ۵۱؛ فیض، ۱۳۹۱، ۱۳۴).

محدثین صدر اول شیعه

کوشش اصلی محدثین صدر اول شیعه از جمله شیخ کلینی و شیخ صدوق در جمع‌آوری و ضبط احادیث، خلاصه می‌شد. البته این بدان معنی نیست که این بزرگان، منکر عقل و حجیت آن می‌باشند، بلکه به نظر می‌رسد اختلاف اینان با دیگران در اهمیت وحی و حدود فهم و دخالت عقل باشد. شیخ کلینی در مقدمه کتاب اصول کافی، علت شروع کتاب را با کتاب العقل و الجهل اینگونه بیان می‌کند «إذا كان العقل هو القطب الذي عليه المدار و به يُحتجّ و له الثواب و عليه العقاب» (کلینی، ۱۳۶۴، ۱۰۱).

اخباریان

اخباریان، روش اجتهاد را در فقه محکوم می‌کردند و عقل را حجّت نمی‌دانستند^۱ و به کار بردن قواعد اصولی را در استنباط احکام فقهی، زیان‌بخش می‌دانستند (گرجی، ۱۳۷۵، ۲۳۶ و ۳۲۸). اخباریان، منبع استنباط فقه شیعه را منحصرأ کتاب و سنت می‌دانستند. برخی از آنان تنها دلیل استنباط حکم را «سنت» ذکر می‌کنند و گویند: تفسیر و فهم قرآن جز از طریق بیان ائمه معصومین (ع)، ممکن نیست و به همین جهت، مبنای انحصاری احکام شرعی، همان اخبار است. اینان می‌گفتند: «تنها منبعی که باید به آن رجوع کرد، اخبار و احادیث است...» (مطهری، ۱۳۶۶، ۳، ۲۱). استرآبادی گوید: «فی بیان انحصار مدرک مالیس من ضروریات الدین من المسائل الشرعیة أصلیة کانت أو فرعیة فی السماع عن الصادقین.» (استرآبادی، بی‌تا، ۲۵۴) در الحدائق الناضرة آمده است: «لامدخل للعقل فی استنباط شیء من أحكامها بوجه» (بحرانی، بی‌تا، ۱۳۲).

^۱ - استرآبادی، معاصر فرانسیس بیکن (متوفی ۱۶۲۶م) است. بیکن، زمینه‌ساز فلسفه حسّی در اروپا می‌باشد. مکتب حس‌گرایی به وسیله جان لاک و دیوید هیوم، به محافل فلسفی اروپا راه یافت. شاید بتوان پیدایش اخباریگری در جهان اسلام را بازتاب پیدایش فلسفه حسّی در اروپا دانست.

التهایه، اگرچه برخی از فقهای امامیه، قائل به عدم اعتبار عقل در استنباط احکام فقهی بودند اما آزاد اندیشی مبتنی بر اصول و رجوع به عقل، در طول تاریخ، همیشه یک ضرورت بوده و هست. آزاد اندیشی و دوری از «تقلید» در برخی از دوره‌های فقه، به وضوح دیده می‌شود، مثلاً با ظهور شیخ مفید، مکتب حدیثی قم، به افول گرایید و عقل، جایگاه خاص خود را پیدا کرد. در نیمه دوم قرن ششم، ابن ادریس، آرای شیخ طوسی را مورد نقد قرار داد. همچنین، روش محقق اردبیلی در فقه، کاملاً مستقل بود و «در مواردی که نظریات فقهای پیشین با روایات، مخالفت داشت، در رد نظر آنان تردید نمی‌کرد.» (گرچی، ۱۳۷۵، ۲۳۸). روش ایشان «اتکا بر فکر و اجتهاد تحلیلی و تدقیقی، بدون توجه به شهرت فقها و فتاوی و آرای فقهای پیشین» بود (فیض، ۱۳۹۱، ۱۳۷-۱۳۸).

* از اواخر قرن ۱۱ هجری، اهل سنت، خروج از تقلید و رهایی از جمود فکری را آغاز کردند.

۱۰- دوره رشد و تکامل فقه و اصول؛ دوره اعتدال (از ظهور وحید بهبهانی تا وفات صاحب جواهر) بعد از سقوط صفویه در سال ۱۱۳۵ق، حوزه اصفهان از مرکزیت علمی افتاد و وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ق)، «کربلا» را مرکز علمی و فقهی، قرار داد. دوره دهم، با ظهور وحید بهبهانی در سال ۱۱۸۶ مقارن با وفات صاحب حدائق، آغاز شد و تا وفات صاحب جواهر (۱۲۶۶ق)، ادامه دارد.

این دوره با نقد گرایش افراطی اخباری‌گری آغاز شد. پرچمدار اعتدال، وحید بهبهانی است. پس از ضعفی که در دوره اخباریان، در علم اصول فقه و امر اجتهاد پدید آمد، وحید بهبهانی طومار مکتب اخباری را درهم پیچید و به منظور پاسخ به شبهات و اتهامات اخباریان، کتاب «الفتاوی الحائریه» را تألیف کرد و با ترویج علم اصول و تأکید بر اجتهاد در استنباط احکام، خدمت بزرگی به عالم تشیع نمود.

برخی از شاگردان برجسته وحید بهبهانی که در راه تکمیل و تقویت راه استادشان، تلاش نمودند، عبارتند از: علامه سیدمهدی بحر العلوم (۱۲۱۲ق)، سیدجواد عاملی (۱۲۲۶ق) صاحب کتاب مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، شیخ جعفر کاشف الغطاء (۱۲۲۷ق)، سیدعلی طباطبایی (۱۲۳۱ق) صاحب ریاض، میرزای قمی (۱۲۳۱ق) صاحب قوانین، ملا احمد نراقی صاحب مستندالشیعۀ (۱۲۴۵ق) و صاحب جواهر (۱۲۶۶ق).

* از جمله مواردی که در این بازه زمانی، در جامعه تسنن، رخ داد، حرکت وهابیت در حجاز توسط محمدبن عبدالوهاب (۱۲۰۶ق) است.

۱۱- دوره تدقیق و تعمیق در مباحث فقهی و اصولی (دوره شیخ انصاری)

آغاز دوره تدقیق و تعمیق در مباحث فقهی و اصولی، مقارن با وفات صاحب جواهر (۱۲۶۶ق) و ظهور شیخ انصاری و مرجعیت یافتن وی می‌باشد و تا ظهور آخوند خراسانی (۱۳۲۹ق)، ادامه دارد. ظاهراً «مرجعیت تقلید» به سبک و معنای فعلی، از زمان شیخ انصاری، به وجود آمده است. مرکز علمی فعال در این دوره، سامراً و نجف بود.

شیخ انصاری با تألیف دو کتاب رسایل در اصول و مکاسب در فقه، علم فقه و علم اصول را به کاملترین مرحله رسانید. دقت، عمق و نوآوری شیخ انصاری در آثار وی، نشانه نبوغ و استعداد کم‌نظیر شیخ است. نقل است که عبدالرزاق سنهوری (م ۱۳۹۱ق) مؤلف کتاب اَلوسیط، گفته است: اگر کتاب مکاسب شیخ انصاری را قبل از تألیف کتابم، دیده بودم، تغییرات بنیادین در مباحث خود می‌دادم (اسلامی، ۱۳۸۹، ۳۶۳).

شخصیت علمی شیخ انصاری را می‌توان با شخصیت علمی شیخ طوسی، مقایسه نمود، با این تفاوت که بعد از شیخ طوسی، غالباً فقه‌های امامیه از او تقلید می‌کردند اما شاگردان شیخ انصاری مانند آخوند خراسانی، راه او را در تکامل بخشیدن به مباحث فقهی و اصولی، ادامه دادند و بر غنای فقه و اصول، افزودند. میرزای شیرازی بزرگ (۱۳۱۲ق) صاحب فتوای تحریم تنباکو و حاج میرزا حبیب‌الله رشتی (۱۳۱۲ق)، در این دوره زندگی می‌کردند.

* تدوین قانون مدنی بر اساس فقه حنفی، نشانه تحوّل فقه در اهل سنت است. این قانون با نام مجلّه الأحكام العدلیّه، در ۱۸۵۱ مده توسط دولت عثمانی در سال ۱۲۹۳ قمری، تدوین شد. آیت‌الله کاشف الغطاء (۱۳۷۳ق)، قانون فوق را با نام تحریرالمجلّه، شرح کرده و دیدگاه‌های فقهی امامیه را نیز آورده است.

۱۲- دوره تلخیص (از ظهور آخوند خراسانی تا پیروزی انقلاب اسلامی)

شایان ذکر است آخوند خراسانی (۱۳۲۹ق) بعد از وفات میرزای شیرازی بزرگ، از مدرّسان بنام حوزه علمیه نجف به شمار می‌آمد.

تلخیص مباحث فقهی و اصولی، از زمان آخوند خراسانی آغاز می‌گردد و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ادامه دارد. جنّاتی می‌نویسد: «این مرحله از جهت تلخیص در بحث‌های فقهی، شاهد سبکی نوین و شیوه‌ای بدیع است و شکوفایی بسیاری دارد. از رجال بزرگ این مرحله و پیشرو این سبک، آخوند خراسانی است...» (جنّاتی، ۱۳۷۴، ۶۰ - ۶۲).

معروفترین اثر آخوند که فهم آن، ملاک اجتهاد طلاب علوم دینی است، کتاب کفایة الأصول است. امروزه کتاب کفایه، برای تدریس درس اصول فقه بویژه در دانشگاهها، مناسب به نظر نمی‌رسد. به قول دکتر لنگرودی: «کتاب کفایة الأصول که نویسنده بزرگ آن برای رعایت اختصار، چندان ضمیر به کار برده است که کتاب او از حیث استعمال ضمائر، گوی سبقت را ربوده و جان طالب علم را فرسوده است و انسان را به یاد شعر ابی‌الطیب [متنبی] می‌اندازد که می‌گوید: و تسعدنی فی غمره بعد غمره سَبوحٌ لها منها علیها شواهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱، ۲۷۷).

در جریان مشروطیت، آخوند به ضرورت مشروطیت، فتوا داد و تجربه کمی از حاکمیت فقه، به دست آمد. میرزای نایینی، در دفاع از مشروطیت، کتاب «تنبیه‌الأمم و تنزیه‌الملئ» را نوشت.^۱

گفتنی است در دوره قاجار، فرمان مشروطیت، توسط مظفرالدین شاه در سال ۱۳۲۴ قمری، ۱۲۸۵ شمسی، صادر گردید و اولین مجلس شورای ملی ایران در همان سال تشکیل و قانون اساسی، تدوین شد.

غالب کتب فقهی به زبان عربی، نوشته شده است. از اول مشروطه به بعد، تعداد کتب فقهی به زبان فارسی، افزایش پیدا کرد. افزون بر رساله‌های توضیح المسائل که به وسیله مراجع تقلید، به فارسی نوشته شده، متن قانون مدنی ایران به عنوان بهترین نمونه نثر فارسی در علم حقوق است. در تدوین قانون مدنی - که شاهکار ادبیات حقوقی ایران، محسوب می‌شود از فقه امامیه، استفاده شده است. اعضای کمیسیون تدوین قانون مدنی، در تهیه قانون مزبور^۲، به کتب فقهی توجه داشتند. «برای تعیین اراده نویسندگان قانون مدنی، مراجعه به عقاید مشهور فقهای امامیه و بویژه کتابهای شرح‌لمعه، شرایع محقق، تذکره علمای، مکاسب شیخ انصاری [و جواهر الکلام]، بسیار مفید است.» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ۲۲۳).

معروفترین فقهای دوره تلخیص، عبارتند از: آخوند خراسانی، سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی (۱۳۳۷ق) صاحب عروه و صاحب حاشیه بر مکاسب، شیخ‌الشریعه اصفهانی (۱۳۳۹ق) صاحب رساله لاضرر، میرزای نایینی (۱۳۵۵ق) صاحب کتاب منیة الطالب فی حاشیة مکاسب، حاج‌شیخ عبدالکریم حائری یزدی (۱۳۵۵ق) مؤسس حوزه علمیه قم، آیت‌الله کمپانی (۱۳۶۱ق)، آقا ضیاء عراقی (۱۳۶۱ق)، آقا سیدابوالحسن اصفهانی (۱۳۶۵ق)، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء صاحب کتاب تحریرالمجله (۱۳۷۳ق)، حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی

^۱ کتاب تنبیه‌الأمم با مقدمه و شرح آیت‌الله سیدمحمد طالقانی (ره)، به نام «حکومت از نظر اسلام»، منتشر شده است.

^۲ - قسمت عمده این قانون، به ترتیب قانون مدنی فرانسه و قوانین مدنی مصر و عثمانی، به انشای زنده‌یاد سیدمحمد فاطمی قمی، تهیه و در سال ۱۳۰۷ شمسی، تصویب شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۲۷۶۰ و ۲۸۵۶، شماره ۱۰۲۶۳ و ۱۰۶۳۴). به نظر می‌رسد منظور از قانون مدنی عثمانی، مجله الأحکام العدلیة است.

(۱۳۸۰ق) از مراجع بزرگ شیعه و متبحر در فقه و حدیث و رجال، محمد رضا مظفر (۱۳۸۳ق) صاحب کتاب اصول الفقه، آیت‌الله سید محسن حکیم (۱۳۹۰ق) صاحب مستمسک العروة الوثقی، آیت‌الله سید حسن موسوی بجنوردی (۱۳۹۵ق/۱۳۵۴ش) صاحب کتاب وزین القواعد الفقهیه، آیت‌الله سید احمد خوانساری (۱۳۶۳/۱۰/۱۴۰۵، ۲۹) صاحب جامع المدارک و حضرت آیت‌الله خوئی (۱۴۱۳ق) آخرین مرجع قدرتمند حوزه نجف.

شکل جدیدی از آثار فقهی و اصولی، به نام «تقریرات» در این دوره، به قلم شاگرد ظاهر شد. در تقریرنویسی، محتوای مطالب برگرفته از تدریس استاد است و تقریرنویس، «درس استاد را برای سایر دانشجویان، تبیین کرده یا أحياناً تألیف [می‌کند].» (گرگی، ۱۳۷۵، ۳۳۳). تقریرات نابینی و تقریرات خوئی، از مهمترین تقریرات دوره اخیر، محسوب می‌شود.

مرکز علمی فعال در این دوره، نجف و قم می‌باشد. شایان ذکر است حوزه علمیه قم، در دوره قاجار توسط میرزای قمی (م ۱۲۳۱ق)، ایجاد شد و بار دیگر توسط حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، در سال ۱۳۴۰ قمی، این حوزه، ایجاد و به تعبیری، تأسیس گردید (مطهری، ۱۳۶۶، ۱۰۶، ۳) و سر و سامان بیشتری گرفت و امروزه حوزه قم، مهمترین مرکز فقهی در جهان تشیع، محسوب می‌شود که در قرن اخیر، در تحول اجتهاد، نقش بسزایی داشته است.

از هنگامی که مفاهیم تطور و تغییر شرایط زمان، مکان، عرف و عادت در جامعه رونق یافت، دو دیدگاه در زمینه تحول اجتهاد با تحول زمان و مکان، پدیدار گشت: ۱- دیدگاه امکان تحول‌پذیری احکام فقهی؛ ۲- دیدگاه عدم امکان تحول‌پذیری احکام فقهی. (درویش‌ترابی، (۱۳۹۷)، ۶۰-۶۱). صاحبان دیدگاه اول، معتقدند، احکام شرعی بر اساس آسان‌گیری در همه ابعاد زندگی بشر، کاملاً انعطاف‌پذیر وضع شده است و با تحول و تغییر اوضاع و احوال اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، احکام آن نیز باید تحول یابد. طبق دیدگاه دوم، احکام شرعی بر موضوعات، همراه با قیود و شروطی است و تا مادامی که آنها تغییر نکنند احکام شرعی آنها نیز تغییر نمی‌یابد زیرا در شریعت اسلامی، حکم حلال روی موضوع خودش، همیشگی و ثابت است و انفکاک حکم از موضوعش، امکان‌پذیر نیست (همان).

در اثر تلاش‌های مؤثر حضرت آیت‌الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت (۱۳۸۳ق) از فقهای روشنفکر الأزهر مصر در زمینه تقریب بین مذاهب اسلامی و فتوای تاریخی شلتوت مبنی بر جواز عمل، طبق مذهب فقهی شیعه، فاصله بین دو مذهب شیعه و سنی، کاهش پیدا کرد. با رهنمودهای امام خمینی

(۱۴۰۹ق، ۱۳۶۸ش)، وحدت بین علمای شیعه و سنی، بیشتر شد که یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

۱۳- دوره حاکمیت فقه و فقهای امامیه

با توجه به استقرار حکومت فقهی به رهبری امام خمینی در سال ۱۳۵۷ و مشکلات ناشی از عملی ساختن فقه در جامعه، و استفاده از نظرات مجتهدین و فتاوی فقها در تدوین برخی از قوانین، شایسته است تحولات فقهی پس از انقلاب اسلامی، به عنوان دوره مستقل، معرفی شود. گفتنی است نقش حکومت وقت در تدوین و نشر آثار فقهی و همچنین چگونگی رفتار و تعامل فقها با حکومت وقت، در ادوار فقه سیاسی، حائز اهمیت است، به گونه‌ای که یکی از عوامل مؤثر در تحول ادوار فقه را می‌توان اوضاع سیاسی اجتماعی هر دوره دانست. در حکومت جمهوری اسلامی، زمینه اجرای برخی از ابواب فقهی مانند قضا و شهادت، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات، فراهم گشت و تقنین فقه از خلال تدوین قوانین مانند قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و غیره، بطور عملی، تجربه گردید. یکی از مسایل مطروحه در فقه اسلامی، نحوه مالکیت زمین و توابع آن است. از احکام مترتب بر ملکیت مطلقه مالک، جواز استفاده شخص مالک از منافع زیرزمینی و معادن زمین مملوک است. در این جا، مسأله توجه به زمان و مکان پیش می‌آید و فقهای بصیر و آگاه مانند امام خمینی، به تحول مکانیزم استخراج و اکتشاف نفت به مقدار بسیار زیاد در اعماق زمین، دیدگاه‌های تازه‌ای را ارائه می‌کنند. (نقیبی، ۱۳۹۱، ۱۸۳-۱۸۴)

نظر به وقوع مسایل مستحدثه و طرح سؤالات متعدد فقهی پس از انقلاب اسلامی و مآلاً ورود فقهای معاصر بویژه امام خمینی به مسایل و مباحث حکومتی و توجه خاص به عنصر مصلحت در استنباطات فقهی، ایشان، با توجه به نقش زمان و مکان در اجتهاد، لزوم تغییر در پاره‌ای از آرای فقهی را احساس می‌کردند که برخی از آنها عبارتند از: غنا و موسیقی؛ شطرنج، حق معنوی و حق تألیف؛ مالکیت دولت در معادن، تقریب بین مذاهب فقهی و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام.

نتایج:

۱- دانشمندان اهل سنت، زودتر از علمای شیعه، مستقلاً در زمینه تاریخ فقه، کتاب نوشتند.

- ۲- عوامل مؤثر در تحوّل فقه، عبارتند از: زمان، مکان و شخصیت فقها. به نظر می‌رسد تحوّل فقه، بیشتر وابسته به ظهور شخصیت‌های بزرگی از قبیل شیخ طوسی و شیخ انصاری بوده است.
- ۳- تاریخ‌نگاران فقه شیعی، هر کدام با ملاک خاصی، فقه را به ادوار مختلفی، تقسیم کرده‌اند. در این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی، ده مورد از ادوارنگاری‌های عام در فقه امامیه، گزارش شد و در انتهای هر قسمت، اثر مذکور، مورد بررسی قرار گرفت.
- ۴- بررسی ادوارنگاری فقه اسلامی اعم از شیعه و سنی از نظر زمانی و بطور تلفیقی، ذیل یک دوره، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.
- ۵- فقه شیعه از نیمه قرن پنجم تا نیمه قرن هفتم، دچار رکود نسبی گردید. افزون بر عظمت علمی شیخ طوسی، تحولات سیاسی زمانه از جمله حمله و استیلای ترکان سلجوقی را می‌توان از جمله عوامل رکود فقه شیعه در بازه زمانی مذکور دانست.
- ۶- نقطه توافقی که در اکثر ادوارنگاری‌های فقه شیعه وجود دارد، آن است که ظهور شیخ طوسی و شیخ انصاری، مبدأ تحوّل فقه، بوده است.
- ۷- ظهور دولت صفوی (۹۰۶ق) و پیدایش مکتب اخباری، زمینه را برای نشر علوم اسلامی و تدوین جوامع حدیثی، فراهم آورد.
- ۸- با توجّه به استقرار حکومت فقهی در ایران، شایسته است «دوره حاکمیت فقه و فقه‌های امامیه»، بطور مستقل، معرفی شود.
- ۹- نگارندگان، با توجّه به تحوّل فقه در اثر تکامل تدریجی افکار فقها، ادوار فقه امامیه را به ۱۳ دوره، بیان کرده‌اند.
- ۱۰- آزاد اندیشی مبتنی بر اصول و رجوع به عقل، در طول تاریخ، همیشه یک ضرورت بوده و هست. آزاد اندیشی و دوری از «تقلید» در برخی از دوره‌های فقه، به وضوح دیده می‌شود.
- امروزه، نیز به فقهایی نیاز داریم تا با نوآوری، نواندیشی و آزاداندیشی متکی به منابع فقهی و آگاهی از مسایل زمانه، به سوالات نسل جوان و اشکالات و شبهات فقهی و مسایل مبتلابه امروزی از قبیل مسایل اقتصادی و فرهنگی، پاسخ قانع‌کننده داده شود.

فهرست منابع

- ۱- آصفی، محمد مهدی، (بی تا). تاریخ الفقه الشّیعی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات (به عنوان مقدمه، در جلد اول کتاب الرّوضه البهیة فی شرح اللّمعه الدمشقیة، چاپ شده)، بیروت.
- ۲- آل کاشف الغطاء، علی، (۱۳۹۹ق). ادوار علم الفقه و أطواره، دارالزّهراء، بیروت، چاپ اول.
- ۳- ابن ادريس، محمد بن احمد، (۱۴۱۰ق). السّرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. (۳ جلدی)، جلد اول، تحقیق: لجنة التحقیق، مؤسسه النّشر الإسلامی، قم، چاپ دوم.
- ۴- ابن شهید ثانی، حسن بن زین الدّین، (۱۳۶۲). معالم الدّین و ملاذ المجتهدین. به اهتمام: دکتر مهدی محقق، مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران.
- ۵- اسلامی، رضا، (۱۳۸۹). مدخل علم فقه، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم. قم، چاپ دوم.
- ۶- اسلامی، رضا و معینی فر، محمد، (۱۳۹۰). «ادوار فقه مقارن در شیعه». پژوهش های فقهی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۳۲-۵.
- ۷- أستراآبادی، محمد امین بن محمد شریف، (بی تا). الفوائد المدنیة. دارالنّشر لأهل البیت.
- ۸- بحرانی، یوسف بن احمد، (بی تا). ألدقائق النّاضرة فی أحكام العترة الطّاهرة. (۲۵ جلدی)، جلد اول، تحقیق: محمدتقی ایروانی، جامعه المدرّسین، قم.
- ۹- جعفری هرنندی، محمد، (۱۳۷۱). مروری بر تاریخ فقه و فقها. اداره کل اوقاف و امور خیریه مازندران، چاپ اول.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۵). ألفارق. جلد دوم و چهارم، گنج دانش، تهران، چاپ هفتم.
- ۱۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۱). مقدّمه عمومی علم حقوق، گنج دانش. تهران، چاپ سوم.
- ۱۲- جنّاتی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۴). ادوار فقه و کیفیت بیان آن، انتشارات کیهان. تهران، چاپ اول.
- ۱۳- جنّاتی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۲). ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، انتشارات کیهان. تهران، چاپ اول.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۵). وسائل الشّیعة إلى تحصيل مسائل الشّریعة. ۲۰ جلدی، جلد هجدهم، انتشارات اسماعیلیه، تهران، چاپ هفتم.
- ۱۵- خُصّری، محمد، (۱۴۱۴ق). تاریخ التّشريع الإسلامی، دارالمعرفة. بیروت.
- ۱۶- درویش ترابی، محمود و کلانتری درونکلا، کیومرث، (۱۳۹۷). «عنصر زمان و مکان و نقش آن در تحوّل اجتهاد بر احکام جزایی اسلام». فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۹۷، ص ۶۰-۶۱.
- ۱۷- زرقا، مصطفی احمد، (۱۹۶۷م). ألمدخل الفقهيّ العامّ. جلد اول، دمشق.
- ۱۸- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۲۴ق). ادوار الفقه الإمامی، مؤسسه امام صادق (ع). قم، چاپ اول.

- ۱۹- سبحانی تبریزی، جعفر، (۱۴۱۸ق). مقدمه موسوعه طبقات الفقهاء. ۱۵ جلدی، جلد اول، مؤسسه الإمام الصادق (ع)، قم.
- ۲۰- شهابی، محمود، (۱۳۶۶). ادوار فقه. ۳ جلدی، جلد اول و دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوم.
- ۲۱- شهابی، محمود، (۱۳۷۲). ادوار فقه. جلد سوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ چهارم.
- ۲۲- شهابی، محمود، (بی‌تا). تقریرات اصول، انتشارات دانشگاه تهران. تهران، چاپ هفتم.
- ۲۳- شهابی، محمود، (۱۴۰۹ق). نشأة علم الاصول، سیره و إرتقائه، مؤسسه النشر الاسلامی. قم، چاپ اول (به عنوان مقدمه، در جلد اول فوائدالأصول محمدحسین نایینی، چاپ شده).
- ۲۴- شهرستانی، جواد، (۱۴۱۴ق). مقدمه کتاب جامع المقاصد فی شرح القواعد. ۱۳ جلدی، جلد اول، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ دوم.
- ۲۵- صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی. بیروت، چاپ هفتم.
- ۲۶- طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ق). مجمع البحرين و مطلع النیرین. ۶ جلدی، کتابفروشی مرتضوی، تهران، چاپ سوم.
- ۲۷- فیض، علیرضا، (۱۳۹۱). مبادی فقه و اصول، انتشارات دانشگاه تهران. تهران، چاپ بیست و دوم.
- ۲۸- کاظمی، اسدالله بن اسماعیل، (بی‌تا). مقابسات الأنوار و نفائس الأسرار فی أحكام النبی المختار و عترته الأطهار، نشر مؤسسه آل البيت. بی‌جا.
- ۲۹- کاظمی موسوی، سیداحمد، (۱۳۹۵). « نظری به تاریخی‌نگری استاد محمود شهابی به دوره‌های تحوّل فقه، شهاب دانش». روزنامه اطلاعات، شنبه، ۱۳۹۵/۱۱/۰۲، تهران، ص ۵.
- ۳۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۴). مقدمه علم حقوق، شرکت انتشار. تهران، چاپ بیستم.
- ۳۱- کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۶۴). اصول کافی، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور. تهران.
- ۳۲- گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۷۵). تاریخ فقه و فقها، انتشارات سمت. تهران، چاپ اول.
- ۳۳- گرجی، ابوالقاسم، (۱۳۶۱). نگاهی به تحوّل علم اصول، انتشارات بعثت. تهران، چاپ اول.
- ۳۴- مبلّغی، احمد، (۱۳۸۲). «نگاهی به مراحل تکامل فقه شیعه». کاوشی نو در فقه، شماره ۳۷-۳۸، پاییز ۱۳۸۲، قم، ص ۳۴۰-۲۷۴.
- ۳۵- محقق حلّی، جعفر بن حسن، (۱۳۶۴). المعتبر فی شرح المختصر. جلد اول، تحقیق: لجنة التحقيق، به اشراف: آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه الإمام امیرالمؤمنین.

- ۳۶- - مدرّسی طباطبایی، حسین، (۱۳۶۲). زمین در فقه اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران.
- ۳۷- - مدرّسی طباطبایی، حسین، (۱۳۶۸). مقدمه‌ای بر فقه شیعه = کلیات و کتابشناسی. مترجم: محمدآصف فکرت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۳۸- - مدیرشانه‌چی، کاظم، (بی‌تا). علم الحدیث و درایه الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی. قم، چاپ دوم.
- ۳۹- - مدیرشانه‌چی، کاظم، (۱۳۵۲). شرح جمل العلم و العمل. مقدمه کتاب، دانشگاه مشهد، مشهد، چاپ اول.
- ۴۰- - مشکینی، میرزا علی، (۱۴۱۶ق). اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، نشر الیهادی. قم، چاپ ششم.
- ۴۱- - مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲). «الهامی از شیخ طوسی». انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم. (به عنوان مقاله، در جلد اول کتاب هزاره شیخ طوسی نوشته علی دوانی، چاپ شده).
- ۴۲- - مطهری، مرتضی، (۱۳۶۶). آشنایی با علوم اسلامی. جلد سوم: اصول فقه - فقه، انتشارات صدرا، تهران، چاپ دوم.
- ۴۳- - مغنیه، محمدجواد، (۱۴۱۱ق). مقدمه تاریخ الفقه الجعفری، دار الکتب الإسلامی. قم، چاپ اول. (به عنوان مقدمه بر کتاب تاریخ الفقه الجعفری هاشم معروف حسنی، چاپ شده است).
- ۴۴- - مفید، محمدبن محمد، (۱۴۱۴ق). تصحیح اعتقادات الإمامیه. تحقیق: حسین درگاهی، دارالمفید، بیروت، چاپ دوم.
- ۴۵- - ورعی، سیدجواد، (۱۳۹۵). «جُستاری در تاریخ و ادوار فقه سیاسی شیعه». شیعه‌پژوهی، سال دوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۵-۱۴۷.
- ۴۶- - هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۸۱). «مکتب فقهی اهل بیت(ع)». فقه اهل بیت، سال هشتم، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۱، ص ۲۳ و ۴۱-۶۱.
- ۴۷- - نقیبی، ابوالقاسم و جلیل‌زاده، حسین، (۱۳۹۱). «تأثیر زمان و مکان در تطوّر آرای فقیهان». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۸۳-۱۸۴.